

نگاهی اجمالی به شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی و تحلیلی از جنبه‌های حقوقی و اقتصادی ناشی از الحاق ایران به WTO*

دکتر اکبر کمیجانی

دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

در این مقاله، ضمن پرداختن به مبانی نظری تجارت آزاد، تصویری اجمالی از تاریخچه شکل‌گیری موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و سپس تأسیس سازمان تجارت جهانی^۱ (WTO) ارائه خواهد گردید و پس از مروری گذرا بر ادوار مختلف مذاکرات گات از ابتدای تشکیل (۱۹۴۷) تا تکمیل مذاکرات دوراروگونه در آوریل ۱۹۹۴ به بررسی جنبه‌های حقوقی ناشی از عضویت کشور در سازمان تجارت جهانی پرداخته خواهد شد. در ادامه با توجه به وسعت نتایج دور اخیر مذاکرات گات در اوروگونه مبنی بر شمول قوانین و مقررات تجاری بر بسیاری از زمینه‌های جدید فعالیت از جمله خدمات، کشاورزی، منسوجات و پوشاک، حقوق مالکیت معنوی و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با تجارت، آثار و تبعات الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر بخش‌های مهم اقتصاد کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

مقدمه

امروزه گسترش ارتباطات و افزایش راه‌ها و امکانات برقراری روابط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی میان جوامع مختلف منجر به تنوع تقاضا و لزوم پاسخگویی به آن از مناطق مختلف اقتصادی گردیده است. در حقیقت پیشرفت تکنولوژیک در سایه تخصص و تقسیم کار بین‌المللی سبب شده به مرور ساختارهای بسته اقتصادی گشوده شود و هر کدام از کشورهای

* این مقاله براساس طرح تحقیقاتی انجام شده در سال ۷۴ - ۱۳۷۳ در معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی تحت عنوان تحلیلی پیرامون تجارت و تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به گات و آثار اقتصادی الحاق ایران تنظیم شده است. مجری این طرح تحقیقی از زحمات گروه کارشناسی مربوط و خصوصاً از زحمات خانم مهری رحیمی فر قدردانی می‌نماید.

جهان بتوانند سهمی را در صحنه تجارت جهانی داشته باشند. حجم و وسعت روابط اقتصادی و تجاری در دهه‌های اخیر چنان گسترش و شدت یافته است که هیچ کشوری نمی‌تواند خود را بی‌نیاز از ارتباطات اقتصادی، تجاری، سیاسی و... بداند.

با توسعه روابط تجاری بین کشورها نظریات مختلف اقتصادی ارائه شد که همگی در صدد طراحی مکانیزم‌هایی برای حداکثر کردن رفاه و منافع ملت‌های جوامع شرکت‌کننده در نظام تجارت جهانی است، به گونه‌ای که در قرن نوزدهم میلادی نظریه‌های آدام اسمیت و ریکاردو که براساس مزیت‌های مطلق و نسبی منابع تولید کشورها بودند مطرح گشته و به مرور زمان در ارتباط با تعریف و تنظیم روابط تجارت بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

مباحث فوق‌الذکر بنیان‌های شکل‌گیری نظریاتی بودند که در فضایی رقابتی و بدون هرگونه اختلال ساختاری پیش‌بینی و مطرح شده بودند، اما گذشت زمان، اختلاف در سطح توسعه‌یافتگی جوامع مختلف و سرعت رشد و ارتقای تکنولوژی بنیان‌های مزبور را از هم پاشید و تجارت بین‌الملل ابزاری در جهت رشد کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تلقی گردید؛ گرچه میزان بهره‌مندی کشورهای مختلف از حجم تجارت جهانی یکسان نبوده است. نقطه اوج و تبلور تمامی خواسته‌های کشورهای علاقه‌مند به شرکت در بازار تجارت بین‌الملل به حدود سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و تمایل کشورهای عمده صنعتی آن زمان برای انجام مبادله و روابط تجاری با سایر کشورها برمی‌گردد. پس از فراز و نشیب‌هایی سرانجام توافقاتی تحت عنوان موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت^۱ (GATT) در سال ۱۹۴۷ میلادی میان تعدادی از کشورها به امضاء رسید و پس از آن حوزه عمل این موافقت‌نامه (و سازمان تشکیلاتی آن) چه به لحاظ حجم تجارت و چه به لحاظ تعداد کشورهای توافق‌کننده رو به فزونی گذاشت و اینک بیش از ۱۲۸ کشور جهان را شامل می‌شود و هر کشوری با قبول موافقت‌نامه‌های این سازمان تجاری بین‌المللی موفق به دسترسی به بازارهای وسیع‌تری خواهد شد و به‌ازای آن بازارهای داخلی خود را نیز به روی کالاهای کشورهای هم پیمان باز خواهد کرد. به‌طور کلی، اهداف گات را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

ارتقای سطح زندگی مردم از طریق مناسبات صحیح اقتصادی و تجاری میان کشورهای عضو، فراهم آمدن امکانات اشتغال برای همه، افزایش مستمر و مداوم درآمدها، ارتقای میزان تقاضا، بهره‌برداری کامل از منابع جهانی و بالاخره توسعه مبادلات و بهبود

بخشیدن به نظام تجاری میان کشورهای عضو گات.

موافقت‌نامه گات سندی است با ۳۸ ماده و چهار فصل و تعداد زیادی فهرست ضمايم، شامل مشخصات هزاران قلم کالاهایی که در طول مذاکرات هشت‌گانه این سازمان از طرف کشورهای عضو، تعرفه گمرکی آن‌ها تعدیل و کاهش یافته است. آنچه در جهت شناخت هرچه بهتر گات و تأثیر آن بر اوضاع و احوال تجاری کشورهای عضو می‌تواند کمک مؤثری باشد، شناخت اصول اساسی گات است.

آخرین دور از مذاکرات گات از ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۳ میلادی تحت عنوان دور اورگوته صورت پذیرفت و از نتایج عمده این مذاکرات، تشکیل سازمان تجارت جهانی (WTO)، و تحت شمول در آوردن کالاها و خدمات تولید شده در بخش کشاورزی، تجارت خدمات و حقوق مالکیت معنوی تحت قوانین و مقررات تجارت بین‌الملل بوده است.

حدود ۴ دهه قبل مسأله عضویت ایران در گات مطرح بوده است و نخستین قدم در این زمینه به سال ۱۳۳۸ برمی‌گردد که در این سال دولت ایران کمیته‌ای را مأمور بررسی پیرامون این مسأله کرد که نتایجی را در برنداشت. لازم به ذکر است که در آن زمان ۴۳ کشور عضو گات بودند.

مجدداً موضوع الحاق ایران به گات در سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۵۲ مطرح گردید که همچنان موضوع پی‌گیری نشد و موضوع عضویت به دست فراموشی سپرده شد. سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از پایان یافتن جنگ تحمیلی، نقطه عطف دیگری در تاریخ پیوستن ایران به گات به شمار می‌رود. چنان‌که در این مرحله (اواخر سال ۱۳۷۲) کمیته‌ای متشکل از تمام وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها در وزارت بازرگانی مسئول پی‌گیری تبعات الحاق ایران به گات شد. این در حالی بود که در این ایام آخرین دور مذاکرات گات در اورگوته در جریان بود و کمیته مذکور موظف شد مسأله عضویت ایران را با ارزیابی دقیق از نتایج دور اورگوته مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

همزمان با تشکیل و فعالیت کمیته کاری مذکور، مطالعه‌ای نیز در معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی آغاز گردید که گزارش نهایی آن در خرداد ۱۳۷۴ ارائه شده که در این مقاله چکیده‌ای از مباحث و مطالعات به عمل آمده در این تحقیق در چند بخش به شرح زیر از نظر خواهد گذشت. مروری گذرا از مبانی نظری در راستای تجارت بین‌الملل، تاریخچه مختصری از شکل‌گیری گات، نتایج عمده ادوار مختلف مذاکرات گات (با تأکید بر دور اورگوته)، تبعات الحاق به گات با عنایت به تجربه برخی از کشورهای عضو،

الزام‌های اقتصادی و قانونی در راستای الحاق (بسترسازی‌های قانونی - اقتصادی) و بالاخره بررسی آثار الحاق کشور به گات در بخش‌های مختلف اقتصادی (کشاورزی و صنعت) و درآمدهای مالیاتی.

مبانی نظری پیرامون تجارت آزاد جهانی

بررسی نظریه‌های تجارت بین‌الملل از اقتصاددانان کلاسیک با نظریه‌های مزیت مطلق آدام اسمیت^۱ و مزیت نسبی ریکاردو^۲ در برقراری تجارت بین کشورها تا نظریه‌های جدیدتری مثل نظریه هکشر - اوهلین^۳ و مدل لیندر^۴ نشان می‌دهد که تجارت آزاد در صورت وجود رقابت کامل، با ایجاد تخصص بین‌المللی کار و تأمین بهینه نیازمندی‌های جامعه موجب می‌شود تا هر کشوری به سقف بالاتری از تولید و مصرف برسد و در ضمن نرخ نهایی جانشینی تولید و مصرف بین کشورها یکسان گردد.

با توجه به این که گات از شکل‌گیری موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای از طریق ایجاد یک چارچوب بین‌المللی که در آن کشورها می‌توانند از مزایای اتحادیه‌های منطقه‌ای بهره‌مند شوند حمایت می‌کند؛ لذا کاملاً مشهود است که قوانین گات برای اتحادیه‌های منطقه‌ای زبان آور نبوده و نیست. گرچه قوانین گات محدودیت‌هایی را بر کشورهای عضو اتحادیه‌ها اعمال می‌کند اما این محدودیت‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که هدف آن تضمین این مطلب است که موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای سازگار با هدف تشویق آزاد سازی تجاری در جهان است. از نظر اتحادیه‌های منطقه‌ای، گات سیستم حمایتی را برای کشورهای عضو اتحادیه‌های منطقه‌ای ایجاد می‌کند تا آن که منجر به رقابت تجاری در میان کشورهای عضو شود.

اما آیا اتحادیه‌های منطقه‌ای نیز در تقویت و گسترش قوانین گات و آزاد سازی تجاری موثرند؟ تا آنجا که این اتحادیه‌ها مشارکت مثبتی در تجارت آزادتر و افزایش دستمزد به بازار داشته باشند منجر به حمایت از سیستم گات در دستیابی به هدف اولیه دسترسی به بازار خواهند شد. البته بایستی توجه داشت که در برخی موارد تأسیس چنین اتحادیه‌هایی ممکن است به دلایل غیراقتصادی نظیر علایق دولت‌ها باشد تا اهداف خودکفایی ملی یا منطقه‌ای. در واقع، براساس اعتقاد مرکانتیلیست‌ها آغاز تأسیس یک موافقت‌نامه منطقه‌ای منافعی را به همراه دارد که تکامل‌های نزدیک‌تر منطقه‌ای همراه با یک نظام تجاری حمایت‌گرایانه برای

1. Adam Smith

2. Ricardo

3. Heckscher - Ohlin

4. Linder

یک منطقه از آن جمله است. گرچه ممکن است تأسیس چنین اتحادیه‌هایی، اقدامات حمایتی مقابله به مثلی را از سوی سایر کشورها برانگیزد، اما به هر حال اتحادهای منطقه‌ای انگیزه‌های لازم را برای آزادسازی تجاری ایجاد می‌کنند و از این رو می‌توانند به عنوان گامی در جهت حرکت به سمت اتحادهای جهانی تلقی شوند.

توضیح این که اتحادیه‌های گمرکی - منطقه‌ای مرکب از کشورهای مختلفی هستند که در آن بر سر موضوعاتی نظیر حذف تعرفه‌ها و محدودیت‌های کمتی، وضع تعرفه‌های یکسان در میان کشورهای عضو بحث و تبادل نظر می‌کنند و موافقت‌نامه‌هایی تصویب و در روابط تجاری خود به کار می‌بندند.

ارتباط میان گات و اتحادیه‌های گمرکی منطقه‌ای آن چنان که مطرح می‌شود حاکی از آن است که قوانین گات در مورد اتحادهای منطقه‌ای از جامعیت کافی برخوردار نیست. و در مجموع قوانین گات برای اتحادیه‌های منطقه‌ای زیان آور نبوده و گرچه محدودیت‌هایی را بر کشورهای عضو اتحادیه‌ها اعمال می‌کند، اما هدف از آن تشویق آزادسازی تجاری در جهان از طریق موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای سازگار با قواعد و اصول تجارت آزاد جهانی است.

به طور کلی، روند تکاملی تجارت جهانی نشان می‌دهد که تحولات جدید بین‌المللی و اعمال مقررات تجاری چندجانبه میان کشورهای جهان موجب خواهد شد که سرمایه‌ها و منابع اقتصادی در راه رشد اقتصادی و در صنایع با کارایی بیشتر به کار گرفته شود. چنان‌که حتی اثرات مثبت ناشی از تجارت آزاد جهانی علی‌رغم مشکلات جدیدی که فراوری کشورهای در حال توسعه جهان قرار داده است، به این گروه از کشورها نیز تسری یافته و مزایایی را از ناحیه عضویت در توافق‌های تجاری جهان برای آن‌ها فراهم ساخته است.

تاریخچه شکل‌گیری گات و مروری اجمالی بر نتایج ادوار مختلف مذاکرات آن

زمینه‌های اولیه شکل‌گیری فعالیت‌های جهانی به سال‌های پس از جنگ جهانی اول و بحران‌های ناشی از آن به خصوص در میان کشورهای اروپایی برمی‌گردد. چنان‌که در ۱۹۴۶ به پیشنهاد امریکا کنفرانسی متشکل از نمایندگان کشورهای مختلف جهان به منظور بررسی مسائل مربوط به محدودیت‌های کمتی، کاهش نرخ‌های تعرفه و به طور کلی تشکیل مجموعه سازمان یافته‌ای در جهت تنظیم روابط تجاری بین‌المللی (ITO)^۱ برگزار گردید. نتایج این کنفرانس هر چند به تشکیل سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) نیانجامید، لیکن زمینه‌های

شکل‌گیری روابط منسجم و قانونمند تجاری را میان کشورها فراهم آورد که بعداً تحت عنوان موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) با عضویت کشورهای آمریکا، کانادا، انگلستان، فرانسه، سری‌لانکا، پاکستان و... از ۱۹۴۷ کار خود را آغاز کرد و تا به حال هشت دور مذاکرات تجاری میان کشورهای عضو در این چارچوب صورت گرفته که در این قسمت شمای کلی از دیدگاه‌های مطرح شده در هر دور از مذاکرات گات به اختصار مطرح گردیده است.

در حال حاضر، پیمان گات به عنوان سازمان جهانی که رفتار و روابط تجاری کشورهای عضو را تحت نظارت و تنظیم قرار می‌دهد در ردیف تشکلهای تخصصی و مستقل سازمان ملل متحد قرار دارد و روابط قانونمند و منسجمی را در خصوص مسائل تجاری میان کشورهای مختلف عضو تنظیم می‌نماید؛ مقرر آن در ژنو است و براساس دیدگاه‌های اخیر در مذاکرات دور اورگوئه به سازمان جهانی تجارت (WTO) تبدیل گردیده است. در واقع، گات تنها موافقت‌نامه دو جانبه‌ای است که تجارت جهانی را در همه بخش‌ها طبق قواعد خاصی تنظیم نموده است.

لازم به ذکر است که موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) در ابتدا توسط ۲۳ کشور به امضاء رسید که هم اکنون تعداد کشورهای عضو آن به بیش از ۱۲۸ کشور افزایش یافته است و حدود دو سوم اعضای آن را کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهند. اصول اساسی گات ۱۹۴۷ که محور اصلی توافقات مذاکرات تجاری تلقی می‌گردد، عبارت است از:

۱. اصل عدم تبعیض و تعمیم اصل دولت کامله الوداد (MFN)؛
۲. اصل تثبیت و کاهش تعرفه‌های گمرکی از طریق مذاکرات متوالی؛
۳. اصل مشورت؛
۴. اصل حفاظت (استثنائاتی را به خصوص برای کشورهای در حال توسعه مطرح می‌سازد).

روند مذاکرات ادواری گات

چنان‌که گفته شد، از آغاز تأسیس سازمان جهانی تعرفه و تجارت (گات) در ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۳ جمعیاً هشت دور مذاکرات تجاری میان کشورهای عضو این سازمان برگزار شده است که در

نگاهی اجمالی به شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی و تحلیلی از جنبه‌های حقوقی و... ۱۱

زیر به نکات اصلی نتایج هر یک از این مذاکرات پرداخته شده است.

دور اول: مذاکرات گات (ژنو)، ۱۹۴۷

در کنفرانس عمومی گات که به سال ۱۹۴۷ در ژنو برگزار گردید، موضوع مورد بحث تعرفه‌ها به روش کالا به کالا بود که براساس نتایج آن حدود ۴۵ هزار امتیاز میان ۲۳ کشور شرکت کننده مورد توافق و مبادله قرار گرفت. این امتیازها در قالب حذف کامل حقوق گمرکی، کاهش تعرفه‌های گمرکی و الزام به تعیین سطح ثابتی از حقوق گمرکی میان کشورهای عضو بوده است. براساس نتایج این مذاکرات حدود ۵۴ درصد از واردات تعرفه‌بندی شده آمریکا تحت تأثیر کاهش نرخ‌های تعرفه قرار گرفتند.

دور دوم: مذاکرات در فرانسه (آنسی)^۱، ۱۹۴۹

این دور از مذاکرات نیز به روش کالا به کالا میان ۳۳ کشور جهان تشکیل شد و هدف اصلی از آن کاهش مجدد نرخ‌های تعرفه بود. چنان‌که پوشش اقلام و کالاهای مورد مذاکره و امتیازهای مبادله شده از ۶۶ درصد به ۸۰ درصد افزایش یافت و مذاکرات این دور توانست حدود ۳۵ درصد متوسط نرخ تعرفه کالاهای صنعتی در کشورهای توسعه‌یافته را کاهش دهد.

دور سوم: مذاکرات در انگلستان (تورکای)^۲، ۵۱-۱۹۵۰

در این دور از مذاکرات که میان ۳۴ کشور عضو تشکیل شد، آمریکا توانست برای ۳۵ درصد از کالاهای وارداتی خود تخفیفات گمرکی به دست آورد و همچنین برخی سیاست‌های حمایت‌گرایانه را که در طول دهه ۱۹۵۰ همچنان تداوم داشت، به تصویب برساند.

دور چهارم: مذاکرات در سوئیس (ژنو)، ۵۶-۱۹۵۵

روش مذاکرات در این دور به طریق مذاکرات دو جانبه کالا به کالا و موضوع مورد بحث کاهش تعرفه‌ها و حقوق گمرکی بود که نتایج قابل توجهی در برنداشت و صرفاً آمریکا توانست در خصوص برخی واردات تعرفه‌بندی شده خود از کشور انگلستان امتیازهایی در جهت کاهش نرخ‌های تعرفه کسب کند.

دور پنجم: مذاکرات در ژنو (دور دیلون)^۱، ۱۹۶۲-۱۹۶۱

در مذاکرات این دور ۴۵ کشور شرکت داشتند. این دور از مذاکرات همراه با عضویت کشورهای اروپایی و تأسیس اتحادیه اقتصادی اروپا بود. موضوعات مورد بحث در خصوص حقوق و عوارض گمرکی بود و روش مذاکرات نیز کالا به کالا و براساس مذاکرات تجاری دو جانبه میان صادرکننده و واردکننده صورت پذیرفت. بر اثر توافق‌های حاصل از این دور از مذاکرات، حقوق گمرکی اتحادیه اقتصادی اروپا به ۱۱/۷ درصد، امریکا به ۱۷/۸ درصد و انگلستان به ۱۸/۴ درصد کاهش یافت. به دلیل تنوع صادرات کشورهای مختلف جهان، افزایش رقابت در صحنه‌های تجارت بین‌المللی، گسترش تکنولوژی پیشرفته و نقش آن در تنوع بخشیدن به جنبه‌های صادراتی کالاها و خدمات با کیفیت هرچه بهتر و بالاتر، الحاق کشورهای جدید به گات و دسترسی آن‌ها به بازار، مذاکرات ادوار بعدی گات حول مسائل و موضوعات متنوع‌تر در جریان بود و بحث مربوط به کاهش و حذف تدریجی نرخ‌های تعرفه تنها یکی از موضوعات مورد توجه کشورهای عضو گات بود و مسائل و موضوعات دیگر از جمله تجارت خدمات، محصولات کشاورزی، منسوجات و... نیز در زمره محصولات کالاهای مورد نظر در توافق‌های تجاری گنجانده شد، به نحوی که این عوامل منجر به وقوع مذاکرات چند جانبه تجاری میان کشورهای عضو و خروج آن‌ها از فضای محدود و بسته مذاکرات دو جانبه گشت.

دور ششم: مذاکرات در ژنو (دور کندی)^۲، ۱۹۶۴-۱۹۶۲

در ۱۹۶۲ به درخواست کندی، رئیس جمهور وقت امریکا، قانون توسعه تجارت به تصویب رسید که براساس آن تعرفه‌های گمرکی امریکا تا سطح ۵۰ درصد کاهش یافت و هدف دستیابی به بازارهای جدید برای کالاهای صادراتی امریکا بود که زمینه‌ساز تشکیل دور جدید مذاکرات گات معروف به دور کندی در ۱۹۶۴ گردید و حدود سه سال به طول انجامید که یکی از مهم‌ترین ادوار مذاکراتی گات به شمار می‌رود. از نتایج این دور از مذاکرات می‌توان به تجدیدنظر در مفاد موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (۱۹۴۷) و افزودن بخشی به آن تحت عنوان تجارت و توسعه در ارتباط با کشورهای در حال توسعه و وضع سیستم تعرفه‌های ترجیحی^۳ برای کمک به صادرات این کشورها اشاره نمود.

1. Dillon Round

2. Kennedy Round

3. Generalized System of Preferences

نگاهی اجمالی به شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی و تحلیلی از جنبه‌های حقوقی و... ۱۳

مذاکرات دور ششم براساس مذاکرات خطی صورت پذیرفت. براساس این روش کاهش در نرخ‌های تعرفه شامل تمامی کشورهای عضو می‌گردید و تنها در موارد استثناء برخی کشورها می‌توانستند از روش قدیمی کالا به کالا استفاده نمایند. قابل ذکر است که امتیازهای مبادله شده در این دور از مذاکرات، تجارت جهانی را ۴۰ میلیارد دلار متأثر ساخت، تعرفه بسیاری از کالاها در امریکا به طور متوسط از ۳۰ تا ۵۰ درصد، در کانادا ۲۴ درصد، در ژاپن ۳۰ درصد دور انگلستان ۳۸ درصد کاهش یافت. دور کندی میانگین موزون تعرفه‌های صنعتی در کشورهای توسعه یافته را به سطح ۷ درصد رسانید. مذاکرات دور ششم گات در ۱۹۶۷ خاتمه یافت و حاصل آن موافقت‌نامه‌هایی در زمینه توسعه و آزاد سازی مبادلات تجاری میان کشورهای شرکت‌کننده بود که حدود ۷۵ درصد از مبادلات جهانی را شامل می‌شد.^۱

دور هفتم: مذاکرات در توکیو - ژنو، ۷۹ - ۱۹۷۳

هفتمین دور از مذاکرات گات در ۱۹۷۳ آغاز شد و تا ۱۹۷۹ ادامه داشت. در این دور، نمایندگان ۹۹ کشور جهان شرکت داشتند. مذاکرات این دور توسط ۷ کمیته و گروه کاری شامل کمیته اصلاح ساختار قانونی، تعرفه‌های گمرکی، غیرتعرفه‌ها، کشاورزی، محصولات گرمسیری، ضمانت اجرا و موضوعات بخشی و منطقه‌ای به کار خود ادامه داد و به توافق‌هایی در زمینه‌های مذکور دست یافت. از جمله آن که تخفیف تعرفه‌های گمرکی در خصوص هزاران قلم کالاها صنعتی و کشاورزی حاصل شد و در نتیجه توافق شد میانگین موزون تعرفه کالاها صنعتی از ۷ درصد به ۴/۷ درصد کاهش یابد. متوسط کاهش تعرفه‌های مذاکره شده برای امریکا ۳۱ درصد، برای کشورهای جامعه اروپایی ۲۷ درصد و برای ژاپن ۲۸ درصد بود. براین اساس، تجارت جهانی با ارزش ۳۰۰ میلیارد ریال، از نتایج کاهش تعرفه‌ها در دور توکیو، متأثر شد.^۲

دور هشتم: مذاکرات معروف به دور اوروگوئه، ۹۳ - ۱۹۸۶

آخرین و طولانی‌ترین مذاکرات تجاری جهان پس از هفت سال بحث و گفتگو و با تصویب

۱. برای دستیابی به اطلاعات تفصیلی‌تر از نتایج این دور و سایر ادوار مذاکرانی گات می‌توان به منبع زیر مراجعه نمود:
Kenneth W. Dam, *The GATT, Law and International Economic Organization*, The University of Chicago, 1970, Chapters 2 and 5, pp. 56-73.

2. Ibid.

پیش‌نویس سند نهایی آن موسوم به طرح دانکل، توسط ۱۱۷ کشور شرکت‌کننده که ۱۱۴ کشور از آن‌ها عضو کامل گات بودند و حدوداً ۹۰ درصد تجارت جهان را تشکیل می‌دادند، در آوریل ۱۹۹۳ به سرانجام رسید. سند نهایی دور اوروگوئه مشتمل بر ۵۵۰ صفحه و حاوی موافقت‌نامه‌های متعدد از جمله تأسیس سازمان تجارت جهانی (WTO) بود. توافق‌های این دور از مذاکرات حول محورهای اساسی به شرح زیر صورت پذیرفت:^۱

۱. توافق بر سر موضوعاتی در خصوص معیارهای اندازه‌گیری سوبسیدهای صادراتی به خصوص در ارتباط با محصولات کشاورزی و امور مرتبط با سرمایه‌گذاری تجاری^۲ (TRIMS).

۲. توافق‌هایی بر سر تجارت خدمات در زمینه‌های مختلف دریایی، ارتباطات راه دور، خدمات مالی، بیمه، بانکداری (GATS)^۳.

۳. توافق‌هایی بر سر روش‌های اخذ عوارض ضد دامپینگ، روش‌های اعطای سوبسید بر هواپیماهای ساخت داخل، حمایت‌ها و اقدامات حفاظتی.

۴. دسترسی به بازارهای وسیع‌تر از طریق کاهش نرخ‌های تعرفه، حذف غیرتعرفه‌ها و تبدیل آن‌ها به موانع تعرفه‌ای و کاهش و حذف تدریجی آن‌ها.

۵. توافق‌هایی برای تجارت منسوجات، پوشاک و محصولات کشاورزی.

۶. مشمول کردن جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی (TRIPS)^۴ در قالب مقررات تجارت جهانی.

۷. توافق بررسی شرایط ویژه تجارت با کشورهای در حال توسعه.

به عبارت دیگر، می‌توان گفت مذاکرات طولانی در قالب دوره هشتم نهایتاً به مجموعه‌ای از توافق منجر شد که فصل جدیدی را در پیش روی کشورهای عضو قرارداد و اموری مشمول مقررات سازمان تجارت جهانی گردید که در دورهای مذاکراتی قبلی فقط به برخی از آن‌ها اشاراتی محدود شده بود.

۱. به منظور اطلاع دقیق‌تر از مفاد موافقت‌نامه‌های مربوط به دور اوروگوئه می‌توان به منبع زیر مراجعه نمود:

International Monetary Fund, "Conclusion of the Uruguay Round - An Agreed Final Act", March 1, 1994.

2. Trade Related Investment Measures (TRIMS)

3. General Agreement on Trade Services

4. Trade Related in Intellectual Property Rights

تجربه برخی کشورها در ارتباط با پیوستن به گات

از نظر شرایط و مراحل عضویت کشورهای مختلف گات، مطالعه تجربه کشورهای مختلف و بحث پیرامون نقاط ضعف و قوت ناشی از عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی (WTO) خالی از فایده نبوده و غالباً می‌تواند نتایج مطلوب و مفیدی را از جهت مطرح ساختن دیدگاه‌های گوناگون و فراگیری از تجربیات دیگر کشورها در این زمینه عاید سازد. در این ارتباط تجارب کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است که به دلیل برخی تشابه‌ها در ساختار اقتصادی به‌خصوص از نظر تک محصولی بودن و اتکاء آن‌ها به نفت، تجربه کشورهای تونس و مکزیک اجمالاً از نظر می‌گذرد.^۱

از ۱۹۸۳ به بعد، مکزیک برنامه تجارت آزاد را در پیش‌رو قرار داد. هدف اصلی شکل دادن سیستم تولید رقابتی و بهبود کارایی بود که در حال حاضر نیز دنبال می‌شود و برنامه‌های تثبیت اقتصادی و مدرنیزه کردن اقتصاد، با هدف یکپارچگی فرایند آزادسازی تجاری انجام می‌شود.

فرایند آزادسازی مکزیک با مشارکت آن کشور در مذاکرات تجاری چند جانبه جهانی در اوروگوئه همراه است و برنامه‌هایی از قبیل وضع تعرفه‌ها بر نهاده‌ها و ماشین‌آلات و تعدیل تعرفه‌ها در بخش‌هایی که در معرض حمایت‌های شدید هستند، تعقیب می‌گردد. از آنجا که مکزیک توانست در دوران تعدیل اقتصادی نظام اقتصاد خود را به نحو بارزی با سیستم اقتصادی بین‌المللی تطبیق دهد و مطابق با استانداردهای بین‌المللی اقتصاد خود را پی‌ریزی کند، زمینه ورود به گات کاملاً هموار گردید.

بدین لحاظ نه تنها پذیرفتن قوانین گات برای مکزیک مشکل‌آفرین نبود بلکه مکزیک توانست با پیوستن به گات با سرعت بیشتری به سمت اهداف مشخص شده در قبل از ورود به گات (دوران تعدیل اقتصادی) برود و بر مشکلات عدیده‌ای چون کسری بودجه به گونه‌ای چشم‌گیر فائق آید.

فرایند آزادسازی اقتصاد مکزیک با مشارکت این کشور در مذاکرات تجاری دو و چند جانبه بین‌المللی همراه بوده است و این استراتژی با ورود مکزیک به گات تحکیم و گسترش یافته است. از آن زمان به بعد، مکزیک در این تشکیلات حضور فعال داشته و به ویژه

۱. به منظور اطلاع تفصیلی از تجارب کشورهای مختلف از جمله مکزیک، تونس، هنگ‌کنگ، لهستان، کانادا، کره و سوئیس در خصوص پیوستن به گات می‌توان به منبع زیر مراجعه نمود:
تحلیلی پیرامون تجارب و تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به گات و آثار اقتصادی الحاق ایران، طرح تحقیقاتی، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، تیر ۱۳۷۴.

در مذاکرات دور اوروگوئه به منظور آزادی جریان‌های تجاری کالاها و خدمات سیستم تجاری چند جانبه مشارکت موثر داشته است.

تصویر اقتصاد کشور تونس در دهه ۱۹۶۰ نشان‌دهنده اتکای شدید این کشور به تولید محصولات کشاورزی با شیوه‌های سنتی و ضعف در ساختار اقتصادی این کشور در این دهه بوده است. در دهه ۱۹۷۰ و به دنبال افزایش قیمت نفت، توان و نقش دولت و بخش عمومی در امور اقتصادی این کشور افزایش یافت و منجر به ایجاد فعالیت‌های اقتصادی گشت، اما در دهه ۱۹۸۰ به دنبال بروز بحران شدید اقتصادی در جهان بر اثر کاهش شدید قیمت نفت، اثرات نامطلوبی در وضعیت تراز پرداخت‌های این کشور به وجود آمد و ضربات سختی بر پیکر اقتصاد کشور تونس وارد گردید.

تونس ۳۰ سال به طور مشروط عضو توافق‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) بوده است. تغییر در استراتژی تونس و دستیابی بیشتر به بازارهای جهانی به دنبال تنوع بخشیدن به اقلام صادرات غیرنفتی، منجر به عضویت کامل این کشور در ۱۹۹۰ در گات گردید، به گونه‌ای که یکی از امضاءکنندگان دور توکیو بوده است؛ و بالاخره با تلاش و جدیت بسیار توانست تجارت کالاها را فایبرگلاس و بخش پوشاک را که اهمیت زیادی در توان بالقوه صادراتی این کشور داراست، پس از عدم حصول توافق در مذاکرات تجاری در توکیو، در مذاکرات دور اوروگوئه مشمول مقررات گات کند.

در حال حاضر، تونس دارای ۶۰ موافقت‌نامه دو جانبه است که یک سوم آن شامل موافقت‌نامه‌های ترجیحات تجاری شامل امتیازهای تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای است، چنان‌که تعرفه‌های اعمال شده از سوی دولت تونس تا ۶ هزار قلم کالا را شامل می‌شود و این تعرفه‌ها از ابزارهای قوی حمایتی دولت برای تحدید واردات در صنایع مورد حمایت هستند.

بررسی برخی جنبه‌های حقوقی الحاق ایران به گات

از پی‌گیری سیاست‌های تجاری آزاد توسط سازمان تجارت جهانی با توجه به اصل تقسیم کار میان کشورها و سوق یافتن به اصل برتری نسبی، انتظار بر این است که به لحاظ نظری منجر به ارتقاء کارایی و تخصیص بهینه منابع شود. براین اساس است که گات اهمیت روز افزونی یافته است و پیوسته کشورهای بیشتری خواهان عضویت در آن هستند.

در این چارچوب فکری و نظری است که لزوم تطبیق میان قوانین و مقررات حاکم بر کشورهای مختلف عضو با قواعد و اصول گات معنی یافته و کشورها را ملزم به سازگاری

نگاهی اجمالی به شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی و تحلیلی از جنبه‌های حقوقی و... ۱۷

نسبی در این زمینه کرده است. به عبارت دیگر، در این ارتباط بحث تطبیق قوانین و مقررات حاکم بر کشور و قواعد گات را می‌توان در دو بُعد اساسی به شرح زیر مورد بررسی و توجه قرار داد:

الف) بررسی سازگاری یا ناسازگاری قوانین کلان موثر در سیاست‌گذاری‌ها؛
ب) بررسی سازگاری یا ناسازگاری قوانین موضوعی - تخصصی موثر در اتخاذ رویه‌ها و روش‌های اجرایی.

الف) قوانین و مقررات کلان

با بررسی‌های به عمل آمده می‌توان ناسازگاری‌های نظام تجارت آزاد جهانی مبتنی بر توافقی‌های تجاری گات را با برخی قوانین کشور به شرح زیر برشمرد:

۱. قانون اساسی

براساس بررسی‌های به عمل آمده در صورت الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، برخی اصول قانون اساسی از نظر مسائل گوناگون از جمله حاکمیت نقش دولت در فعالیت‌های اقتصادی در تعارض احتمالی با برخی مفاد و قوانین گات خواهد بود. به‌طور مشخص بررسی جنبه‌های حقوقی اصول ۴، ۴۴، ۷۷، ۸۱، ۱۳۹ قانون اساسی و مطابقت آن‌ها با اصول گات از جمله اموری است که خود مطالعات مستقل حقوقی را می‌طلبد.^۱

۲. قانون انحصار تجارت خارجی

طبق مفاد مواد ۱، ۲ و ۳ این قانون محوریت نقش دولت در نظام بازرگانی خارجی مورد تأکید قرار گرفته است.^۲ چنانچه، به عنوان مثال در ماده ۱ به انحصار دولت در تجارت خارجی اشاره شده و حق صادر کردن و وارد کردن تمام محصولات... و شرایط ورود و صدور آن‌ها... به دولت واگذار شده است. در ماده ۲ به این نکته اشاره می‌شود که وارد کردن هر نوع محصول صنعتی به ایران به‌جز مواردی که در قانون پیش‌بینی شده مشروط به شرط حتمی صادر کردن محصولات به ایران است. همچنین در بند الف از ماده ۳ این قانون، اجازه وارد کردن محصولات خارجی طبق مقررات خاصی به اشخاص یا مؤسسات مختلف

۱. به‌منظور اطلاع از جزئیات تفصیلی مربوط به این موضوع می‌توان به مأخذ پیشین مراجعه کرد.

۲. قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۱۹ تیرماه ۱۳۱۱ و اصلاحات، مورخ ۱۳۲۰/۴/۸.

غیردولتی داده شده است که پیچیدگی‌های بسیار و تنوع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را مطرح می‌کند. چنان‌که در قوانین جاری ملاحظه می‌گردد، شرایط ورود کالا در مقاطع زمانی خاص با مقررات مختلفی مواجه است که جمع‌بندی آن‌ها در یک مجموعه منسجم کار بسیار دشوار و عملاً ناممکن است. بدین ترتیب، قانون انحصار تجارت خارجی با توجه به تأکید آن بر محوریت نقش دولت در نظام بازرگانی خارجی از یک سو و تنوع و متغیر بودن قوانین اجرایی آن از سوی دیگر در مغایرت با قوانین و مقررات گات ۱۹۴۷ و توافق‌های تجاری اخیر گات مبنی بر گسترش آزادی فعالیت بخش غیردولتی است.

۳. قوانین و مقررات صادرات و واردات

از جمله دیگر قوانین حاکم بر تجارت خارجی متعارض با برخی اصول و قوانین حاکم بر گات، قوانین و مقررات صادرات و واردات است.^۱ به عنوان مثال، در ماده ۳ این قانون کالاهای صادراتی به چهار گروه مجاز، مجاز مشروط، غیرمجاز، و ممنوع تقسیم شده است که با قوانین گات در خصوص دسترسی به بازار (اصل ۱۶) مغایر است. همچنین در ماده ۳۱ از قانون مذکور دولت موظف است واردات کالاهایی را که در داخل کشور به مقدار نیاز تولید می‌شود یا امکانات بالقوه تولید آنها فراهم است، در صورتی که منجر به تورم قیمت کالاهای اساسی نشود، غیرمجاز اعلام نماید. در صورتی که طبق اصول ۱ و ۲ مقررات عمومی تعرفه و تجارت، تجارت بین‌المللی بایستی براساس اصل عدم تبعیض استوار باشد و صنایع داخلی بایستی براساس تعرفه‌های گمرکی و نه از طریق موانع تجاری یا ممنوعیت ورود حمایت شوند. در این ارتباط برخی دیگر از مواد قانون صادرات و واردات از جمله ماده‌های ۳۴ و ۳۵ تعارضاتی با توافق‌های دور اوروگوئه و اصول اساسی مقررات عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) دارند که تجدیدنظر در موارد قانونی فوق پیش از عضویت در سازمان تجارت جهانی را الزامی می‌نماید.

از سوی دیگر، برخی از مواد قانونی تشویق صادرات و تولید مصوب بهمن ۱۳۳۳ با اصلاحات آن نیز با اصول و قوانین گات مغایر است؛ از جمله ماده ۳ که ضمن آن مزایایی برای تولیدکنندگان و صادرکنندگانی که فعالیت‌های خود را معطوف صدور یک یا چند نوع کالا نموده‌اند و یا به استخراج و بهره‌برداری از معادن یا ذوب و تصفیه مواد معدنی و تولید محصولات صنعتی اقدام می‌کنند، در نظر گرفته است که در عمل با برخی مواد گات - به عنوان

نگاهی اجمالی به شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی و تحلیلی از جنبه‌های حقوقی و... ۱۹

مثال بند ب از ماده ۱۶ (منع وضع سوبسید بر صادرات مواد اولیه)، ماده ۱۳ (اجرای غیرتبعیضی محدودیت‌های مقداری)، ماده ۱۹ (مذاکره در باب تعهدات خاص) - در تعارض است. هرچند که مطابق با برخی مفاد موافقت‌نامه‌های دور اوروگوئه از جمله ماده ۲ از موافقت‌نامه اقدامات حفاظتی و یا ماده ۱۵ از توافق‌نامه بخش کشاورزی و... استثناهایی بر رفتار کشورهای به خصوص در حال توسعه در نظر گرفته شده است، لیکن این استثناها جنبه کلی ندارد و مقررات پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی دائمی نیستند، لذا اقدام در جهت گسترش تجارت آزاد جهانی بر اساس اصول گات در بلندمدت، کشورها را ملزم به حذف سهمیه‌ها، محدودیت‌ها و حمایت‌ها و سوبسیدها، کاهش تعرفه‌ها و تبدیل غیرتعرفه‌ها به تعرفه‌ها و حذف تدریجی تعرفه‌ها خواهد کرد. در این ارتباط تجدیدنظر در اصول قانونی یاد شده بنابر مصالح اقتصادی و بازرگانی به عنوان اقدامی در جهت عضویت ایران به گات ضروری است.

ب) قوانین و مقررات موضوعی

ارزیابی قوانین مالیاتی و گمرکی

به منظور انطباق مواد موافقت‌نامه گات با قوانین مالیاتی و گمرکی و یافتن تعارضات احتمالی میان مواد اساسنامه گات و موافقت‌نامه‌های اجرایی با آن‌ها، قوانین مشخصی که می‌توان به آن‌ها استناد نمود عبارتند از:

— قانون امور گمرکی کشور مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰

— قانون صادرات و واردات

— قوانین و مقررات ارزی کشور

— قانون انحصار تجارت خارجی

— قوانین مالیاتی

با بررسی به عمل آمده می‌توان نقاط افتراق در این خصوص را در ارتباط با قوانین فوق در موارد زیر جستجو کرد:

— وضعیت حقوقی تجارت خارجی در کشور

— تنوع و تعدد نرخ‌های تعرفه و گروه کالاهای مرتبط با آن‌ها

— حمایت از صنایع از طریق تخصیص ارز در نرخ‌های ارز دولتی، رقابتی، ترجیحی

— حمایت از صادرات براساس پیمان‌های ارزی واردات مواد اولیه توسط

صادرکنندگان (سوبسیدهای صادراتی)

- رویه‌های حمایتی غیر تعرفه‌ای نظیر تخصیص‌های ارزی، معافیت‌های مالیاتی، تشویق‌های صادراتی از طریق سیاست تحدید واردات
- استمرار اخذ عوارض تحت عنوان حق ثبت سفارش کالا
- اقدامات سازمان‌هایی نظیر سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان
- مبنی بر اخذ مابه‌التفاوت‌ها از کالاهای وارداتی و...

در واقع، از نظر قوانین و مقررات گمرکی و انطباق آن‌ها با قوانین و مقررات گات، مواد ۳، ۵، ۷، ۸ گات مطرح که به انحاء گوناگون مغایرت‌های موجود را نمایان می‌سازد. چنان‌که به عنوان مثال مواد ۱۳۲، ۱۴۱ و ۱۴۲ قانون مالیات‌های مستقیم به اشکال گوناگون حمایت از تولید داخلی از طریق وضع معافیت‌های مالیاتی اشاره می‌کند، با ماده ۳ گات مبنی بر رفتار ملی در مورد وضع مالیات و مقررات داخلی در منافات است؛ و یا مثلاً ماده ۵ اساسنامه گات که بحث آزادی ترانزیت را مطرح می‌نماید در بعضی موارد مغایرت‌هایی با مواد ۱۷۲ تا ۱۹۲ آئین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی مطرح می‌سازد. همچنین ماده ۷ اساسنامه گات (ارزیابی گمرکی) که تفصیل شرایط و نحوه ارزیابی گمرکی کالاهای وارداتی را از نظر قیمت ارز پایه، ارزش واقعی و... مورد بحث قرار می‌دهد در برخی موارد مغایرت‌هایی با مواد قانون امور گمرکی دارد. مثلاً ماده ۶ از قانون امور گمرکی که به دولت اجازه می‌دهد تحت شرایط خاصی برای کشورهای معین حقوق گمرکی، غیر از آنچه در قانون آمده است در نظر گیرد و یا مواد ۵ و ۷ این قانون که حمایت‌های تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای خاص در ارتباط با نوع کالاهای وارده و وضع عوارض خاص (سود بازرگانی) را مطرح می‌نماید مغایرت‌های احتمالی این قانون را با مفاد ماده ۷ اساسنامه گات، ایجاد خواهد کرد. یکی دیگر از نمونه‌های تعارض قابل طرح ماده ۸ اساسنامه گات (عوارض و تشریفات مربوط به واردات و صادرات) در مقایسه با مواد ۳۶ و ۴۰ قانون امور گمرکی است که عدم وجود وحدت رویه و اعمال روش‌های مختلف در وضع حقوق و عوارض گمرکی کالاهای صادره و وارده به کشور را نشان می‌دهد.

اصولاً تعدد و تنوع در خصوص چگونگی وضع حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی در مورد اقلام مختلف کالاهای وارداتی اعم از کالاهای ساخته شده، نیمه‌ساخته، مواد اولیه، قطعات یدکی و... به قدری است که امکان تجزیه و تحلیل هر یک به آسانی میسر نیست، چنان‌که در قانون امور گمرکی به تفصیل فهرست این تغییر و تحولات و وضع و نقض

نگاهی اجمالی به شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی و تحلیلی از جنبه‌های حقوقی و... ۲۱

قوانین گمرکی که برحسب مورد و تحت شرایط خاص زمانی صورت پذیرفته است، آمده که نشان‌دهنده نقض آشکار اصل شفافیت (از اصول اساسی گات ۱۹۴۷) است. به عبارت دیگر، طبق اصل شفافیت هرگونه تنوع و تعدد قوانین تجاری که اجرای مقررات تجارت خارجی را میان کشورها دشوار و پیچیده می‌سازد، منع شده است.

جنبه‌های حمایتی و رویه‌های تجاری در قوانین جاری کشور

از دیگر جنبه‌های حمایتی غیر از موانع کمی و وضع تعرفه‌ها، حمایت از صنایع و تولیدات داخلی با استفاده از ابزارهای غیر تعرفه‌ای در قالب محدودیت‌های مقداری، تشویق‌ها، معافیت‌ها و... است که مطابق با مواد ۱۱ و ۱۲ موافقت‌نامه گات مبنی بر حذف سهمیه‌ها و مجوزهای صادراتی، در مغایرت احتمالی است. به گونه‌ای که در قوانین مختلف از جمله قانون مالیات‌های مستقیم، قوانین بودجه کل کشور، قانون برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعضاً این چنین حمایت‌های مقداری و غیر تعرفه‌ای دیده شده است. مطابق با نتایج آخرین دور از مذاکرات گات در اورگوئه، که مسأله حذف و لغو محدودیت‌های مقداری متنوع و گوناگون و جایگزین کردن محدودیت‌های کمی و تعرفه‌ای و سپس کاهش و حذف تدریجی آن‌ها را مورد توجه قرار داده است، لزوم تعدیل سیاست‌های اتخاذ شده و هماهنگ کردن آن‌ها با رویه‌های تجاری به منظور مشارکت در تجارت بین‌الملل را ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

بررسی قوانین بانکداری و تطبیق آن با قواعد گات

در دور اخیر مذاکرات تجارت جهانی، موافقت‌نامه مستقلی به بخش خدمات اختصاص یافت که GATS نام دارد و از جمله مسائل مربوط به آن خدمات مالی - پولی در قالب فعالیت‌های بانکداری است. از بررسی قوانین و مقررات بانکداری کشور و انطباق آن با قوانین گات به اصول دیگری از قانون اساسی برمی‌خوریم که با هدف و روح توافق‌نامه GATS سازگار نیست. این اصول به شرح زیرند:

۱. اصل ۴۴ قانون اساسی کشور، خدمات بانکداری را جزء بخش دولتی در نظر گرفته

است و دولت مسئولیت سیاست‌گذاری، اداره و کنترل سیاست‌های پولی را

عهده‌دار است. این در حالی است که طبق ماده ۱۹ از موافقت‌نامه GATS تأکید بر

آزادسازی تدریجی در بخش خدمات از جمله بانکداری مطرح گردیده است که

منجر به تسهیل در فرایند دسترسی به بازار از سوی اعضای سازمان تجارت جهانی می‌گردد.

۲. اصل ۸۱ قانون اساسی دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات را در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات را به خارجیان مطلقاً ممنوع کرده است، حال آن‌که مطابق با بند (و) از اصل ۱۶ موافقت‌نامه عمومی راجع به تجارت خدمات در خصوص دسترسی به بازار، برقراری محدودیت‌هایی در مورد مشارکت خارجی را ممنوع اعلام کرده است.

از آنجا که بانکداری و بازار سرمایه در عرصه تجارت خارجی نقش مهمی را ایفاء می‌کند، بنابراین انجام تعديلات در قوانین بانکداری به منظور ایجاد زمینه برای عضویت در گات از اولویت بالایی برخوردار است.

بررسی قوانین بیمه

براساس ضمیمه مربوط به خدمات مالی بند ۲ موافقت‌نامه عمومی راجع به تجارت خدمات، نباید مانع یک عضو از اتخاذ اقداماتی برای حمایت از سرمایه‌گذاران، سپرده‌گذاران، صاحبان اوراق بیمه یا اشخاصی که عرضه‌کننده خدمات مالی در مورد آن‌ها تعهد اعتباری دارد، گردید. موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات شامل هر خدمت دارای ماهیت مالی است و در واقع در برگیرنده تمامی خدمات بیمه و خدمات بانکی است.

از بررسی قوانین بیمه کشور و قوانین تجارت جهانی مشاهده می‌گردد که تعمق به موانع قانونی زیر باید در اولویت قرار گیرد:

۱. به موجب اصل ۴۴ قانون اساسی و نیز اصل ۸۱ قانون اساسی اولاً صنعت بیمه دولتی تلقی گردیده و ثانیاً امکان مشارکت شرکت‌های خارجی در سیستم بیمه‌ای کشور ممنوع اعلام شده است.

۲. طبق مفاد ماده‌های ۳۵ و ۴۵ از قانون بیمه ایران، شروع فعالیت مؤسسات بیمه خارجی در ایران و واگذاری سهام مؤسسات بیمه ایرانی غیردولتی به اشخاص حقیقی تبعه خارج تا ۲۰ درصد با موافقت بیمه مرکزی و بیش از آن با پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه و تصویب هیئت وزیران میسر خواهد بود. ضمناً در مورد اخیر، انتقال سود سهام سهامداران خارجی در هر سال نباید از ۱۲ درصد

مجموع سرمایه پرداخت شده و سود انتقال نیافته سال‌های قبل تجاوز کند.^۱ قابل ذکر است که در برخی دیگر از مواد قوانین بیمه در ارتباط با مؤسسات خارجی از جمله ماده‌های ۴۶ و ۵۰ قانون بیمه به مواردی دال بر محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی بر سر راه فعالیت مؤسسات بیمه خصوصی و خارجی اشاره شده است که با توجه به اصول ۴۴ و ۸۱ تعارض میان آن‌ها را با مفاد ماده ۱۶ توافق‌نامه عمومی تجارت خدمات که بر آزادی تجارت خدمات اشاره می‌نماید، نشان می‌دهد.^۲

بررسی قوانین و آئین‌نامه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی چنان‌که گفته شد، با پایان یافتن دور اورگوته بحث انگیزترین و طولانی‌ترین دور از مذاکرات تجاری چند جانبه، تجارت خدمات در زمره موافقت‌نامه‌های عمومی تعرفه و تجارت قرار گرفت و تمامی اصول اساسی گات یعنی آزاد سازی تدریجی تجارت، عدم تبعیض، شفافیت قوانین و کاربرد محدودیت‌های مقداری در موافقت‌نامه خدمات گنجانده شده و البته استثناهای عمده‌ای نیز برای تطبیق این اصول با شرایط و مشخصات بخش‌های خدماتی به خصوص در کشورهای در حال توسعه منظور گردید.

در این ارتباط آنچه پیوند میان مباحث تجارت خدمات و آزادسازی آن را با قوانین و مقررات داخلی کشور بیش از پیش روشن می‌سازد قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی و چگونگی جلب حمایت از این سرمایه‌ها در قالب قوانین و آیین‌نامه‌های داخلی کشور است و در این چارچوب است که مغایرت‌ها و عدم سازگاری‌های احتمالی میان قواعد گات و آیین‌نامه‌های اجرایی داخلی را نمایان می‌سازد.^۳ چنان‌که به عنوان مثال مواد ۳ و ۵ و ۴۵ از قانون جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی، که محدوده اختیارات صاحبان سرمایه خارجی را مشخص کرده است با بند ب از ماده ۱۶ موافقت‌نامه تجارت خدمات که برقراری محدودیت‌هایی را در مورد کل ارزش مبادلات خدمات یا دارایی‌ها را ممنوع اعلام نموده است، در تعارض احتمالی قرار خواهد داشت. ضمن این‌که براساس بند ج از ماده ۱ آئین‌نامه اجرایی قانون جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی، سرمایه‌ای خصوصی است که هیچ

۱. بیمه مرکزی، «مجموعه قوانین بیمه، قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری»، مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰.

۲. به‌منظور آگاهی هرچه بیشتر نسبت به این مسأله می‌توان مأخذ زیر را مورد مطالعه قرار داد: «تحلیلی پیرامون تجارت و تجربه عملی پیوستن برخی کشورها به گات و آثار اقتصادی الحاق ایران، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، تیر ۱۳۷۴.

۳. وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، «قانون و آیین‌نامه مربوط به جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی».

دولت خارجی در آن سهم نمی‌باشد که این بند نیز با ماده ۱ از توافق‌نامه تجارت خدمات سازگاری ندارد. چراکه از لحاظ توافق‌نامه، دولت‌ها با مقامات مرکزی یا محلی نیز می‌توانند در تجارت خدمات مشارکت داشته باشند.

همچنین در بند ج از ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی مذکور، نرخ ارز برای انتقال سود با برگشت سرمایه نرخ فروش بانک در روز انتقال خواهد بود که این قانون با توجه به نوسان‌های شدید نرخ ارز و کنترل‌های اعمال شده در این رابطه انگیزه ورود سرمایه‌های خارجی به کشور را خواهد کاست. در حالی که براساس بند ۱ از ماده ۱۱ توافق‌نامه تجارت خدمات، اعضاء در مورد انتقالات و پرداخت‌های بین‌المللی از بابت مبادلات جاری خود نباید محدودیت‌هایی را اعمال کنند و براساس بند ۲ از ماده ۱۱ توافق‌نامه، هیچ‌چیز در موافقت‌نامه حاضر بر حقوق و تعهدات اعضای صندوق بین‌المللی پول از جمله با استفاده از اقدامات ارزی منطبق با مواد موافقت‌نامه مزبور اثر نخواهد داشت مشروط بر این‌که اعضای موافقت‌نامه محدودیت‌هایی را اعمال نکنند.

در مجموع به نظر می‌رسد با توجه به مغایرت‌های قانونی موجود چنانچه مسأله عضویت ایران در گات جنبه عملی به خود بگیرد، باید قبل از هر چیز نسبت به رفع موانع و معضلات قانونی مذکور اقدام کرد. خصوصاً آن‌که اهداف کلان و روش‌های اجرایی در نظر گرفته شده در نظام تجارت خارجی کشور در قانون برنامه دوم توسعه، غالباً در جهت تعدیل سیاست‌های حمایتی و جایگزین کردن روش‌های منطقی‌تر در این خصوص است. حال آن‌که تبصره‌های مختلف این قانون از تداوم رویه‌های حمایتی حکایت می‌کند که طرق گوناگون اعمال شده و پیش‌بینی‌هایی در این زمینه برای اجرا در سال‌های آتی به عمل آمده است که در سطح کلان با اصل شفافیت قوانین و اصل عدم تبعیض گات در تعارض احتمالی قرار خواهد داشت.

تبعات الحاق کشور به گات در بخش‌های مختلف اقتصادی

بررسی سند نهایی دور اورگوئه نشان می‌دهد که این دوره از مذاکرات دارای نتایج قابل توجهی نسبت به سایر ادوار بوده است و منجر به تغییرات عمده‌ای در قوانین تجارت بین‌المللی شده که از آن جمله می‌توان به گسترش مقررات گات به کالاهای کشاورزی، منسوجات، تجارت خدمات، حقوق مالکیت معنوی و سرمایه‌گذاری‌های تجاری اشاره نمود. از آنجا که کشور ما در چند دهه گذشته مبادرت به اعمال سیاست‌های حمایتی در

بخش‌های مختلف اقتصادی (کشاورزی و صنعت) کرده است و با توجه به لزوم آزادسازی تجاری براساس قوانین و مقررات گات (در صورت درخواست عضویت) و نیز لزوم کاهش تعرفه‌ها و حذف موانع غیرتعرفه‌ای، در این بخش از مقاله به بررسی تبعات الحاق ایران به گات بر بخش‌های مختلف اقتصادی پرداخته شده است. در این ارتباط با توجه به جایگاه خاص بخش‌های کشاورزی و صنعت در اقتصاد کشور، سیاست‌های تجاری و حمایتی در این دو بخش مزیت‌های نسبی بالفعل و بالقوه و تعیین کالاهای استراتژیک در این بخش‌ها که بیش از سایر اقلام تحت تأثیر آزادسازی تجاری در چارچوب مقررات گات خواهند بود، ارائه خواهد شد و از طریق مطالعات اقتصادسنجی به بررسی اثرات کمی تغییر در نرخ‌های تعرفه و افزایش قیمت جهانی محصولات بر درآمدهای صادراتی و وارداتی کشور خواهیم پرداخت. همچنین در آخر تأثیر کاهش نرخ‌های تعرفه بر درآمدهای مالیاتی (بالاخص مالیات بر واردات) مورد آزمون قرار خواهد گرفت.

الف) تبعات الحاق ایران به گات در بخش کشاورزی

در چند دهه اخیر اقتصاد کشاورزی کشور مورد حمایت‌های شدید دولت قرار داشته است، به گونه‌ای که امروزه شاهد اعمال سیاست‌های حمایتی خاصی نظیر اعمال قیمت‌های تضمینی برای خرید محصولات اساسی، حفظ و تثبیت حداقل قیمت‌ها، بالا بردن سطح درآمد کشاورزان از طریق اعطای سوبسیدهای گوناگون و مبارزه با آفات و بیماری‌ها و... در بخش کشاورزی هستیم که برخی مغایر با مقررات گات به‌ویژه نتایج آخرین دور از مذاکرات دور اورگوئه هستند. از این‌رو بررسی تأثیر عضویت بر عملکرد بخش کشاورزی از اهمیت خاصی برخوردار است، خصوصاً آن‌که انتظار می‌رود با افزایش قیمت محصولات کشاورزی پس از آزادسازی تجاری، ارزش واردات برخی کالاهای استراتژیک مورد نیاز کشور به شدت افزایش یابد. لذا بررسی تأثیر قیمت بر ارزش واردات و صادرات محصولات عمده کشاورزی و نیز تأثیر کاهش تعرفه‌ها و حذف موانع غیرتعرفه‌ای بر متغیرهای فوق از اولویت و اهمیت خاصی برخوردار است که در این قسمت ضمن بررسی جایگاه این بخش در اقتصاد کشور و روند سیاست‌های حمایتی در خصوص کالاهای استراتژیک و شناخت مزیت‌های بالقوه و بالفعل اثرات کاهش نرخ‌های تعرفه و افزایش قیمت‌ها در قالب مدل‌های اقتصادسنجی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

بخش کشاورزی گرچه به دلیل عدم استفاده از سطح زیرکشت، منابع آب و خاک در

نهاده‌های کشاورزی دچار معضلات و تنگنانهایی است، لیکن در برنامه اول توسعه از جایگاه خاصی برخوردار بوده است؛ چنان‌که در سال ۱۳۷۲ از رشد معادل ۵/۵ درصد برخوردار بوده و سهمی معادل ۲۷ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. همچنین این بخش از بخش‌های بسیار موفق در زمینه صادرات غیرنفتی در سال‌های برنامه اول بوده است و میزان صادرات کشاورزی بیش از اهداف پیش‌بینی شده تحقق یافته است. در عین حال، استقلال نسبی و حداقل وابستگی به منابع ارزی از جمله مزیت‌های نسبی بخش کشاورزی محسوب می‌شود؛ به طوری که میزان ارز مصرف شده در این بخش در سال‌های ۷۱-۱۳۶۸ معادل ۶/۴۱۰۹ میلیون دلار^۱ یعنی حدوداً ۴/۷ درصد از منابع ارزی کشور بوده است. همچنین بررسی جدول داده - ستانده اقتصاد کشور نشان می‌دهد که از کل هزینه‌های واسطه‌ای بخش کشاورزی، تنها ۵ درصد به مواد واسطه و وارداتی اختصاص داشته است.

حمایت‌های به عمل آمده در بخش کشاورزی از طریق وضع تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی بر محصولات کشاورزی وارداتی صورت می‌پذیرد. بررسی وضعیت کالاهای کشاورزی از این بابت نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۷ حدوداً ۲۵ درصد از کل کالاهای کشاورزی دارای تعرفه بیش از ۱۰۰ درصد بوده‌اند، در حالی که در سال ۱۳۷۳ هیچ کالای کشاورزی مشمول تعرفه بیش از صد درصد نشده است. از سوی دیگر، کالاهای معاف از سود بازرگانی و حقوق گمرکی در سال ۱۳۷۳ حدوداً دو برابر سال ۱۳۶۷ شده است. به علاوه متوسط تعرفه کالاهای اساسی کشاورزی در سال ۱۳۶۷ معادل ۳۵ درصد بوده‌اند. این رقم در سال ۱۳۷۳ به ۲۶/۹ درصد کاهش یافته است. در عین حال، متوسط تعرفه کل کالاهای کشاورزی از رقم ۹۴ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۲۵/۷ درصد در سال ۱۳۷۳ کاهش یافته است.^۲ چنان‌که ملاحظه می‌شود، میزان کاهش در تعرفه محصولات کشاورزی به مراتب بیش از میزان درخواست شده در توافقات تجارت جهانی در این خصوص است. چنان‌که براساس مقررات گات تعرفه‌ها بایستی براساس سال پایه ۸۸-۱۹۸۶ (۶۷-۱۳۶۵) به میزان ۲۴ درصد در دوره ۱۰ ساله برای کشورهای در حال توسعه کاهش یابد که درصد کاهش تعرفه‌ها در کشور در سطحی معادل ۷۲ درصد بوده است. بنابراین، مسأله عضویت ایران از لحاظ کاهش نرخ‌های تعرفه در بخش کشاورزی مشکلی را ایجاد نخواهد کرد. در ارتباط با موانع غیرتعرفه‌ای در خصوص واردات محصولات کشاورزی می‌توان

۱. وزارت کشاورزی، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، کشاورزی و گات، آبان ۱۳۷۳.

۲. همان مأخذ.

گفت که در واقع همه محصولات کشاورزی به نوعی دارای موانع غیر تعرفه‌ای هستند که در قالب ممنوعیت‌ها و مجوزهای ورود عینیت پیدا می‌کنند، در حالی که در سال ۱۳۷۳ درصد کالاهای کشاورزی ممنوع‌الورود از ۶۰ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۴۱ درصد در این سال کاهش یافته است، لیکن حجم کالاهای ممنوع‌الورود در این بخش همچنان قابل ملاحظه است. در بسیاری از موارد اجازه ورود کالاها منوط به مصوبات شورای اقتصاد، وزارت بازرگانی، وزارت کشاورزی و... است که نشانگر اعمال کنترل‌های شدید بر ورود و صدور این کالاهاست. به علاوه در آیین‌نامه اجرایی مقررات صادرات و واردات مواردی وجود دارد که بسیاری از آن‌ها ماهیت موانع غیر تعرفه‌ای را دارند.

از دیگر سیاست‌های حمایتی در این بخش قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی است که در دهه گذشته معمول بوده و هدف اصلی آن از یک سو افزایش تولید محصولات کشاورزی و رسیدن به خودکفایی در محصولات استراتژیک و از سوی دیگر حمایت درآمد کشاورزان و ایجاد انگیزه گسترش فعالیت آن‌ها است. براساس موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، سوبسیدها و حمایت‌های داخلی برای کشورهای در حال توسعه باید به میزان ۱۴ درصد و سوبسیدهای صادراتی به میزان ۲۴ درصد کاهش یابند و تنها حمایت‌هایی که آثار اختلال‌زا بر تجارت یا تولید نداشته باشند از کاهش معاف هستند.

قابل توجه است که براساس معیارهای ارائه شده برای محاسبه میزان کلی حمایت در چارچوب مقررات گات، وزارت کشاورزی اقدام به محاسبه میزان کلی حمایت از محصولات کشاورزی براساس آمار سال ۱۳۷۲ کرده است که نتایج نشان می‌دهد که کشاورزان گندم کار نه تنها از حمایت‌ها و سوبسیدهای دولت بهره‌مند نشده‌اند بلکه براساس نرخ‌های ارز متفاوت، دولت از کشاورزان مذکور مالیات نیز گرفته است (سوبسید منفی). محاسبات به عمل آمده نشان می‌دهد که در بین محصولات اساسی کشاورزی، کمترین حمایت از پنبه و نخود و بیشترین حمایت از برنج و ذرت صورت گرفته است که حذف کامل سوبسیدها می‌تواند تولید این گروه کالاها را در مقایسه با کالاهای وارداتی در موضع ضعیفی قرار دهد.^۱

شناسایی مزیت‌های نسبی در بخش کشاورزی

علیرغم محدودیت‌های موجود در تأمین اعتبارات ارزی برای نهاده‌های (ماشین‌آلات)

کشاورزی در سال‌های گذشته تولیدات این بخش از رشد قابل توجهی برخوردار بوده و توانسته تا حدودی وابستگی به واردات مواد غذایی را کاهش دهد. با این حال در مقایسه با استانداردهای جهانی عملکرد بسیاری از محصولات کشاورزی در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد، لذا توجه به مسأله مزیت‌های نسبی بالفعل و بالقوه در تولیدات کشاورزی و نیز مسأله کالاهای استراتژیک از اهمیت خاصی برخوردار است. به منظور ارائه تصویری روشن‌تر از موقعیت بخش کشاورزی و مزیت‌های نسبی آن شاخص‌هایی نظیر عملکرد در هکتار، اهمیت نسبی محصولات کشاورزی در کل هزینه‌های خوراکی، میزان ارزیابی، تفاوت قیمت داخلی و جهانی محصولات، نرخ‌های تعرفه، سهم صادراتی محصول از کل صادرات، سهم تجارت کشور از کل تجارت جهانی، سهم تولید کالا از کل تولید جهانی و پایداری و ثبات در سهم صادراتی، بخشی از معیارهای مورد نظر برای بررسی مزیت‌های نسبی کالاهای کشاورزی است که با توجه به آمار و ارقام در دسترس برخی از معیارهای فوق مورد توجه قرار گرفته و براین اساس، وضعیت تعدادی از کالاها که از اهمیت و جایگاه خاصی در بخش کشاورزی برخوردارند مورد ارزیابی قرار گرفته است.

لازم به ذکر است، شاخص‌های در نظر گرفته شده، مزایای نسبی بالفعل و بالقوه محصولات کشاورزی را نشان می‌دهند که شناخت آن‌ها برای بهره‌مند شدن از مزایای گات و استفاده از برخی استثناءها و حمایت‌ها برای یک یا چند محصول لازم و ضروری است.

۱. مقدم

با توجه به این‌که ایران سهم نسبتاً پایینی از تولید این محصول در سطح جهانی به خود اختصاص داده و با توجه به استراتژیک بودن این کالا به عنوان عمده‌ترین مواد غذایی مورد نیاز جامعه، ضروری است وضعیت این محصول در ارتباط با کاهش تعرفه‌ها و افزایش قیمت‌های جهانی در صورت عضویت در گات مورد بررسی قرار گیرد. در این رابطه با استناد به مدل تابع واردات و استفاده از برخی متغیرهای توضیحی تابع واردات گندم به صورت خطی و غیرخطی از طریق معادلات مختلف برازش شده است^۱: نتایج حاصل از تخمین تابع واردات گندم نشان می‌دهد با توجه به این‌که واردات گندم مشمول هیچ‌گونه نرخ تعرفه نبوده و

۱. به منظور اطلاع تفصیلی‌تر از نتایج معادلات برآورد شده نگاه کنید به: تحلیلی پیرامون تجارت و تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به گات و آثار اقتصادی الحاق ایران، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، تیر ۱۳۷۴.

نیست و تصمیمات انحصاری دولت حجم واردات گندم را تعیین می‌کند، کاهش احتمالی نرخ‌های تعرفه پس از عضویت در مورد این محصول تأثیری بر ارزش واردات نخواهد داشت. لذا چنین انتظار می‌رود که با آزادسازی این محصول به دلیل افزایش قیمت جهانی زمینه‌های لازم برای افزایش تولید داخلی فراهم گردد. براساس نتایج مدل اقتصادسنجی واردات ملاحظه می‌شود که کشش واردات نسبت به قیمت‌های نسبی معادل $0/39$ است. به عبارت دیگر، واردات گندم نسبت به قیمت‌های جهانی نسبتاً بی‌کشش است و هر ۱ درصد افزایش در قیمت نسبی منجر به $0/39$ درصد کاهش واردات خواهد شد.

۲. برنج

به‌منظور بررسی تأثیر عضویت ایران در گات بر تابع واردات برنج مدل‌های مختلفی تخمین زده شده است که نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که برنج از جمله محصولاتی است که می‌باید در مذاکرات مربوط به عضویت در گات مشمول توجه بیشتری واقع شود و استثنایی در مورد آن اعمال گردد، چرا که در غیر این صورت کشاورزان برنج کار دچار صدمات جدی خواهند شد. چنان‌که نتایج حاصل از مدل‌های برازش شده نشان می‌دهد، میزان حمایت‌های به عمل آمده از کشاورزان داخلی در چنان سطح بالایی بوده است که هرگونه کاهش در میزان حمایت منجر به افزایش قابل توجه واردات برنج خواهد شد.

۳. ذرت

از دیگر اقلام اساسی وارداتی کشور ذرت است، به طوری که واردات این محصول در سال 1370 معادل 100 میلیون دلار بوده است. تأثیر تغییرات نرخ تعرفه بر واردات این محصول از طریق معادلات مختلفی برازش شده است که نتایج حاصل نشان می‌دهد که واردات ذرت نسبت به قیمت‌های جهانی نسبتاً باکشش است و با افزایش 10 درصد قیمت این محصول پس از عضویت انتظار می‌رود ارزش واردات به میزان $8/8$ میلیون دلار کاهش یابد و لذا زمینه‌های لازم برای گسترش تولید داخلی فراهم آید.

در مجموع، چنین به نظر می‌رسد که نرخ‌های تعرفه تأثیر معنی‌داری بر واردات و صادرات اقلام اساسی کشاورزی نداشته و بنابراین واردات و صادرات کالاهای کشاورزی عمدتاً تحت تأثیر مجوزها و موانع غیرتعرفه‌ای بوده است تا نرخ‌های تعرفه و لذا کاهش نرخ‌های تعرفه تأثیر مستقیم و قابل توجهی بر درآمدهای صادراتی یا میزان واردات این

محصولات نخواهد داشت بلکه وجود اختلاف میان قیمت‌های جهانی این محصولات با قیمت داخلی به هنگام تعدیل و حذف موانع غیر تعرفه‌ای برارزش واردات محصولات کشاورزی اثر خواهند گذاشت.

بنابر این، ملاحظه می‌شود که در صورت عضویت ایران در گات (WTO) و بازگشایی دروازه‌های کشور، ضمن این‌که امکان رقابت با محصولات خارجی فراهم خواهد آمد، از حجم واردات به دلیل افزایش قیمت‌های جهانی کاسته خواهد شد. به علاوه کشور به دلیل دسترسی به بازارهای صادراتی از امکانات بیشتری برای عرضه محصولات کشاورزی برخوردار خواهد شد، خصوصاً آن‌که صادرات محصولات کشاورزی عمده‌ترین سهم را در صادرات غیر نفتی کشور دارا بوده و در برنامه اول توسعه شاهد عملکرد مثبت صادراتی این بخش بوده ایم.^۱

ب) تبعات الحاق ایران به گات در بخش صنعت

با تصویب توافق‌نامه‌ای توسط وزرای بازرگانی کشورهای عضو گات در اوروگوئه دور جدیدی از مذاکرات گات معروف به دور اوروگوئه آغاز گردید. در این دور از مذاکرات که از موضوعات مورد بحث تقریباً در تاریخ گات بی سابقه است، گرایش قابل توجهی به بخش صنعت و فرآورده‌های آن معطوف گردید.

در این دوره از مذاکرات مسائل تجاری مربوط به ۱۱ گروه محصولات صنعتی مورد بحث قرار گرفت. این محصولات شامل تمام محصولات غیر کشاورزی به استثناء نفت است. براساس توافق‌های به عمل آمده مقرر گردید نرخ‌های تعرفه مربوط به محصولات صنعتی کشورهای توسعه یافته از ۶/۳ درصد قبل از تشکیل دور اوروگوئه به ۳/۹ درصد بعد از آن کاهش یابد. قابل ذکر است که کشورهای صنعتی نزدیک به ۲۰٪ واردات جهانی کالاهای صنعتی (غیر از نفت) را شامل می‌شوند که براساس توافق‌های دور اوروگوئه به‌طور متوسط نرخ تعرفه‌ها در خصوص این محصولات حدود ۳۸ درصد کاهش یافت.

کاهش تعرفه‌ها برای ۷ گروه فرآورده‌های صنعتی شامل فلزات، محصولات معدنی و کانی، فلزات، سنگ‌های قیمتی، ماشین‌های الکترونیکی و غیرالکترونیکی، چوب و کاغذ و محصولات شیمیایی در سطح بالایی در نظر گرفته شده است و سطوح پایین کاهش تعرفه در خصوص ۴ گروه محصولات صنعتی شامل منسوجات و پوشاک، چرم و کفش و لاستیک،

۱. به‌منظور آگاهی بیشتر از جزئیات رگرسیون‌ها نگاه کنید به همان مأخذ.

نگاهی اجمالی به شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی و تحلیلی از جنبه‌های حقوقی و... ۳۱

ماهی و فرآورده‌های آن و وسایل حمل و نقل بوده است.
جدول شماره ۱ کاهش تعرفه‌ها در مورد محصولات صنعتی را توسط کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱

کاهش تعرفه‌ها در مورد محصولات صنعتی توسط کشورهای توسعه‌یافته

گروه محصولات	ارزش واردات (میلیارد دلار)	متوسط تعرفه‌ها	
		قبل از دور اورگوته	بعد از دور اورگوته
درصد کاهش			
کل محصولات تولیدی	۷۳۶/۹	۶/۳	۳/۹
۱. منسوجات، پوشاک	۶۶/۴	۱۵/۵	۱۲/۱
۲. فلزات	۶۹/۴	۳/۷	۱/۵
۳. مواد کانی، سنگ‌های قیمتی	۷۲/۹	۲/۳	۱/۱
۴. ماشین‌آلات الکترونیکی	۸۶	۶/۶	۳/۵
۵. چرم، لاستیک	۳۱/۷	۸/۹	۷/۳
۶. ماهی و فرآورده‌های آن	۱۸/۵	۶/۱	۴/۵
۷. ماشین‌آلات غیرالکترونیکی	۱۱۸/۱	۴/۸	۲/-
۸. مواد شیمیایی	۶۱/-	۶/۷	۳/۹
۹. وسایل حمل و نقل	۹۶/۳	۷/۵	۵/۸
۱۰. چوب و کاغذ	۴۰/۶	۳/۵	۱/۱
۱۱. سایر محصولات کارخانه‌ای	۷۶/۱	۵/۵	۲/۴

Source : GATT, Information and Media Relations Division of the General Agreement on Tariffs and Trade, "The Uruguay Round Deal, 1994".

با توجه به قابلیت‌های صادراتی کشورهای در حال توسعه در بخش صنایع نساجی و پوشاک، از جمله اهداف اساسی آخرین دور از مذاکرات تجارت جهانی دور اورگوته، تحت شمول در آوردن تجارت منسوجات و پوشاک در زمره قوانین گات و لغو موافقت‌نامه

الیاف چندگانه^۱ (MFA) و ادغام آن با قوانین تجارت جهانی بوده است که توافق‌نامه‌هایی در این زمینه به تصویب رسیده است.

قابل توجه است که از حجم کل صادرات اقتصادهای در حال توسعه حدود ۸۰ درصد آن مربوط به محصولات صنعتی است و سهم درآمدهای صادراتی از محصولات صنعتی در این کشورها به تفکیک گروه‌های صنعتی عبارت است از: صنایع نساجی و پوشاک ۲۲ درصد، صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات ۱۴ درصد، صنایع فلزات اساسی ۱۱ درصد و دیگر محصولات صنعتی کمتر از ۱۰ درصد. در عین حال، صادرات صنعتی نیمی از کشورهای در حال توسعه مربوط به کالاهایی است که متکی به منابع طبیعی هستند که سهم درآمدهای صادراتی حاصل از این کالاهای بیش از ۲۰ درصد کل درآمدهای صادراتی کشورهای مزبور است.

براساس نتایج مذاکرات دور اورگوئه تغییراتی نیز در تعرفه‌های وضع شده بر محصولات صنعتی وارداتی کشورهای توسعه یافته از کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است. جدول شماره ۲ تغییرات تعرفه را به تفکیک مواد خام، کالاهای نیمه ساخته و تولیدات ساخته شده نشان می‌دهد.^۲

جایگاه بخش صنعت در اقتصاد کشور و حمایت‌های متداول در این بخش

با توجه به هدف مطالعه، بررسی آثار و تبعات ناشی از پیوستن کشور به موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت بر اقتصاد و خصوصاً بخش صنعت، در این قسمت از مقاله وضعیت بخش صنعت با تأکید بر عوامل مؤثر بر تولید صنعتی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس با توجه به طبقه‌بندی نه‌گانه بین‌المللی فعالیت‌های صنعتی (ISIC)^۳، زیربخش‌های با اهمیت و تعیین‌کننده که دارای مزیت نسبی نسبت به دیگر زیربخش‌ها بوده براساس شاخص‌های مختلف از جمله، ارزش افزوده، کاربرد بودن فرایند تولید، بهره‌وری سرانه نیروی کار، وابستگی فرایند تولید از طریق متوسط ارزش مواد اولیه خارجی مصرفی در صنایع گوناگون شناسایی شده و اثرات الحاق کشور به گات بر زیربخش‌های مزبور که عمدتاً بر حذف حمایت‌های گوناگون از آن‌ها

۱. Multifiber Agreement

۲. به منظور اطلاع بیشتر از روند تغییرات نرخ تعرفه محصولات صنعتی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نگاه کنید به همان مأخذ.

۳. صنایع نه‌گانه، International Standard Industry Classification، عبارتند از: صنایع غذایی، نساجی، چوب و محصولات چوبی، کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی، شیمیایی، کانی‌های غیرفلزی، فلزات اساسی، ماشین‌آلات، متفرقه.

نگاهی اجمالی به شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی و تحلیلی از جنبه‌های حقوقی و... ۳۳

جدول شماره ۲

تغییر در تعرفه محصولات صنعتی وارداتی کشورهای توسعه یافته از کشورهای در حال توسعه

نوع محصول	واردات (میلیارد دلار)	سهم هر گروه از واردات	متوسط تعرفه قبل از دور اوروتونه	متوسط تعرفه بعد از دور اوروتونه	درصد کاهش
۱- تمام محصولات صنعتی:					
مواد خام	۳۶۶۹۲	۲۲	۲/۱	۰/۸	۶۲
محصولات نیمه ساخته	۳۶۴۶۴	۲۱	۵/۳	۲/۸	۴۷
محصولات ساخته شده	۹۵۵۳۵	۵۷	۹/۱	۶/۲	۳۲
جمع کل	۱۶۹۶۹۰	۱۰۰	۶/۸	۴/۳	۳۷
۲. مواد طبیعی مرتبط با تولید:					
مواد خام	۱۴۵۵۸	۴۴	۳/۱	۲/-	۳۵
محصولات نیمه ساخته	۱۳۳۳۲	۴۰	۳/۵	۲/-	۴۳
محصولات ساخته شده	۵۵۳۵	۱۷	۷/۹	۵/۹	۲۵
جمع کل	۳۳۴۲۶	۱۰۰	۴	۲/۷	۳۳

مأخذ جدول شماره ۱.

تأکید دارد، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در روند توسعه بخش صنعت در کشور، صنایع کارخانه‌ای با گرایش به استراتژی جایگزینی واردات ایجاد شده‌اند و تقاضای خارجی یا صادراتی به هیچ وجه نقشی بر مقدار و کیفیت تولید صنعتی نداشته است. پی‌گیری و ادامه سیاست جایگزینی واردات نه تنها به صورت یک استراتژی و خط‌مشی انجام نشده است، بلکه در ایجاد صنایع، امکانات و اوضاع و احوال اقتصادی - اجتماعی کشور هم ملحوظ نبوده است و صنایع عمدتاً بدون ارتباط با منابع طبیعی و امکانات بالقوه صنعتی ایجاد شده‌اند. این صنایع به دلایل گوناگون از جمله عدم توانایی و رقابت با محصولات مشابه خارجی، وابستگی‌های شدید ارزی و... نه تنها هدف تأمین نیازهای داخلی را محقق نساختند بلکه در عرصه تجارت خارجی هم موفق عمل نکرده‌اند. لذا علی‌رغم حمایت‌های همه جانبه‌ای که دولت طی سالیان مختلف از بخش صنعت به عمل آورده است، هنوز هم استراتژی توسعه صنعتی به منظور دسترسی به بازارهای

بین‌المللی به عنوان خط‌مشی اساسی بخش صنعت کشور مورد توجه نبوده و کماکان صنایع کشور از بافتی توسعه‌نیافته در مقایسه با شاخص‌های جهانی برخوردارند.

نقش و دخالت‌های دولت در بخش صنعت به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌پذیرد. نخست آن‌که دولت بسیاری از واحدهای تولیدی و صنعتی که عمدتاً سهم قابل توجهی از تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری صنایع کشور را نیز در اختیار دارند، تحت پوشش داشته و بالطبع سهم بالایی از تولید بخش صنعت در حیطهٔ اختیارات و تصمیم‌گیری‌های دولت است. از سوی دیگر، به لحاظ ماهیت، بافت و خصوصیات عمدهٔ صنایع کشور چه در بخش دولتی و چه تحت مالکیت بخش‌های غیردولتی، به دلیل وابستگی فرایند تولید به مواد، قطعات و نهاده‌های خارجی و در نتیجه نیاز به ارز که کسب و تخصیص آن کاملاً در اختیار دولت است، دخالت و نفوذ حمایت‌های مؤثر دولت در این بخش غیرقابل انکار است. به عبارت دیگر، در حالی‌که اتخاذ استراتژی صنعتی و اجرای برنامه‌های مختلف تولید در گرو کم و کیف ارز است و منابع ارزی نیز کاملاً در کنترل و سیطرهٔ دولت قرار دارد، نقش حمایتی دولت به‌طور غیرمستقیم نیز در بخش صنعت بسیار اساسی است.

به این ترتیب، در بررسی مطالعه نسبت به پیوستن به پیمان‌گات در نظر گرفتن این اصل کاملاً بدیهی است که نقطه آغاز و چرخه تأمین منابع سرمایه‌ای مورد نیاز بخش صنعت و انتقال آن به دیگر فعالیت‌های تولیدی در حال حاضر درآمد نفت، سیاست‌ها و عملکرد دولت و مکانیزم‌های انتقالی مربوط بوده و با توجه به شرایط عضویت در گات، نحوه و امکان کاهش دخالت‌ها و حمایت‌های دولت از اقتصاد به‌طور جدی باید مورد توجه قرار گیرد.

شناسایی مزیت‌های نسبی در بخش صنعت

به‌منظور شناخت امکان‌پذیری و قابلیت پیوستن به پیمان‌گات ضروری است از طریق شاخص‌هایی که بتوانند توانایی، قابلیت رقابت و حیات بدون حمایت را برای بخش صنعت شناسایی و اندازه‌گیری کنند، اقدام شود. به همین لحاظ در این بررسی از شاخص‌های قابلیت صادراتی (کل بخش و هر یک از زیر بخش‌های آن) سرمایه‌گذاری و ارز مصرفی (ارز تخصیص یافته به هر یک از زیر بخش‌های صنعت)، سهم زیر بخش در ارزش افزوده کل هر یک از بخش‌های صنعت، کاربر بودن یا سرمایه‌بر بودن فعالیت‌های گوناگون صنعتی و بالاخره وابستگی فرایند تولید به مواد اولیه خارجی به‌منظور شناخت مزیت‌های نسبی بخش صنعت (به تفکیک طبقه‌بندی مختلف) استفاده به عمل آمده است.

براین اساس، با تلفیق و ترکیب نتایج به دست آمده از روند شاخص‌های مذکور در طبقات مختلف صنعتی در کشور می‌توان نتیجه‌نهایی را در خصوص صناعی که با توجه به موقعیت داخلی کشور از مزیت نسبی برخوردار هستند، ارائه کرد. مزیت و ویژگی‌های طبقات مختلف صنعت با توجه به هر یک از شاخص‌های مورد بررسی را به شرح زیر می‌توان معرفی نمود:

الف) گروه‌های فعالیت در صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات، محصولات فلزی، نساجی، کانی‌های غیرفلزی، مواد غذایی و آشامیدنی‌ها، به ترتیب بالاترین سهم را در ایجاد ارزش افزوده صنایع کشور داشته‌اند. این نتیجه برای تعیین مزیت نسبی گروه‌های مذکور منطقی نیست. به دلیل آن‌که صرفاً تأکید بر بالا بودن ارزش افزوده گروه‌های صنعتی فوق‌الذکر نمی‌تواند ملاک تشخیص مزیت نسبی این صنایع در کل فعالیت‌های صنعتی باشد و مجموعه‌ای از شاخص‌های ارزیابی و کیفیت آن‌ها در میان صنایع گوناگون می‌تواند در تشخیص صنایع برتر مؤثر واقع شود.

ب) گروه‌های فعالیت در صنایع کانی غیرفلزی، نساجی، پوشاک و چرم، کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی و صنایع شیمیایی که از نظر کاربر بودن فرایند تولید و ارزش افزوده سرانه به ترتیب نسبت به دیگر گروه‌های فعالیت صنعتی دارای موقعیت مناسب‌تری هستند.

ج) از نظر وابستگی فرایند تولید، گروه‌های فعالیت در صنایع کانی غیرفلزی، چوبی و محصولات چوبی، مواد غذایی و آشامیدنی‌ها، نساجی، پوشاک و چرم که دارای وابستگی به مراتب کمتر از دیگر صنایع به داده‌های خارجی بوده و دارای مزیت نسبی هستند.

لذا با توجه به نتایج فوق، به نظر می‌رسد گروه صنایع کانی غیرفلزی، نساجی، پوشاک و چرم، مواد غذایی و آشامیدنی‌ها، چوب و محصولات چوبی در مقایسه با دیگر گروه‌های فعالیت در مجموعه صنایع کشور در داخل، دارای موقعیت مطلوب‌تری هستند، حال آن‌که مقایسه تطبیقی این صنایع مشابه در سطح جهان از طریق شاخص‌های مختلف از جمله ارزش افزوده، بهره‌وری نیروی کار و متوسط نرخ دستمزد در صنایع نه‌گانه نشان می‌دهد که تنها صنایع نساجی و کانی غیرفلزی از موقعیت بهتری برخوردار هستند.^۱

پس از شناخت صنایع برتر به منظور شناخت تابع عرضه در بخش صنعت و زیر بخش‌های آن و بررسی تأثیرپذیری صادرات صنعتی از نوسان‌های نرخ‌های تعرفه و موانع

۱. به منظور اطلاع دقیق‌تر از جزئیات شاخص‌های استفاده شده برای شناخت مزیت نسبی صنایع مختلف نگاه کنید به همان مأخذ.

غیر تعریفه‌ای تابع صادرات در بخش صنعت کشور و زیربخش‌های مورد نظر، تخمین زده شده و تأثیر عوامل و متغیرهای مختلف بر آن‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است. توضیح این‌که براساس متون نظری تابع صادرات، عرضه صادرات مورد بررسی قرار گرفته است لیکن با توجه به اطلاعات و فرض آن‌که همواره عرضه و تقاضای صادرات در تعادل قرار دارند، در انتخاب، بررسی و تحلیل متغیرهای مستقل و مؤثر بر صادرات محصولات بخش صنعت از اصل تعادل در عرضه و تقاضا استفاده شده است توضیح این‌که به دلیل محدودیت آمار و اطلاعات مورد نیاز برای تشخیص مزیت نسبی در صنایع کشور، دوره زمانی ۷۱ - ۱۳۶۱ ملاک واقع شده است و علی‌رغم آن‌که برخی رگرسیون‌ها نتایج معقولی را منعکس ساخته‌اند، نتایج برآورد شده از دقت لازم برخوردار نیست. از مهم‌ترین نکات در خور توجه در این رابطه، تأثیرپذیری صادرات صنعتی کشور از پیمان‌های ارزی به عنوان یک نوع غیر تعریفه است که اثر منفی خود را بر روند صادرات صنعتی کشور ایجاد کرده است. در عین حال، برخی نتایج به دست آمده به شرح زیر از نظر می‌گذرد:

$$1) \text{LTNOEX} = 1/54 - 0/63 \text{LREXR} (-1) - 0/63 \text{DUP} + 0/24 \text{LTNOEX} (-1) \\ (1/87) \quad (-2/83) \quad (-3/19) \quad (1/07)$$

$$R^2 = 0/96 \quad D.W = 2/03 \quad n = 1361 - 71$$

$$2) \text{TEX} = 482/83 + 0/728 \text{TEX} (-1) + 4/013 \text{WGDP} - 443/55 \text{DUP} \\ (4/26) \quad (3/58) \quad (0/11) \quad (-3/179)$$

$$R^2 = 0/96 \quad D.W = 3 \quad n = 1361 - 71$$

$$3) \text{LTEX} = 1/06 + 0/842 \text{L}(\text{TEX}(-1)) - 0/501 \text{L}(\text{REXR}) - 2/549 \text{L}(\text{CPIR}) \\ (0/23) \quad (2/77) \quad (-0/7) \quad (-1/4)$$

$$R^2 = 0/89 \quad D.W = 2/7 \quad (\text{اعداد داخل پرانتز آماره t را نشان می‌دهد})$$

که در این معادلات :

TEX = کل صادرات صنعتی

TR = نرخ تعرفه

نگاهی اجمالی به شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی و تحلیلی از جنبه‌های حقوقی و... ۳۷

$$\frac{1}{\text{نرخ ارز آزاد}} = \text{REXR}$$

$$\text{W GDP} = \text{شاخص تولید ناخالص جهانی}$$

$$\text{LTNOEX} = \text{لگاریتم ارزش کل صادرات غیر نفتی}$$

$$\text{CPIR} = \frac{\text{شاخص قیمت کالاهای جهانی}}{\text{شاخص قیمت کالاهای داخلی}}$$

DUP = متغیر مجازی (وجود پیمان ارزی برابر یک و عدم وجود پیمان ارزی برابر صفر)
همچنین تأثیر تغییرات نرخ تعرفه و وجود یا عدم وجود پیمان ارزی بر صادرات محصولات صنعتی بر برخی زیربخش‌های صنعت که با توجه به شاخص‌های مورد بررسی از مزیت نسبی در داخل اقتصاد برخوردار بوده‌اند، نظیر صنایع نساجی و کانی غیرفلزی، برآورد گردیده است که از جمله نتایج آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

$$\text{EX } 32 = -29/43 + 2/09 \text{ EX } 32(-1) + 0/66 \text{ TR} \\ (-6/4) \quad (7/44) \quad (5/73)$$

$$R^2 = 0/95 \quad \text{D.W} = 1/98$$

$$\text{EX } 36 = 146/83 + 0/57 \text{ EX } 36(-1) - 38/98 \text{ W GDP} \\ (2/3) \quad (1/87) \quad (-2/03)$$

$$R^2 = 0/79 \quad \text{D.W} = 2/06$$

(اعداد داخل پرانتز آماره t را نشان می‌دهد)

که در این معادلات :

EX32 = صادرات صنایع نساجی، پوشاک و چرم

EX36 = صادرات صنایع کانی‌های غیرفلزی

نتایج به دست آمده از مدل‌های مذکور نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر صادرات محصولات صنعتی مطابق با مبانی نظری در رابطه معنی‌دار با میزان صادرات بخش صنعت نیستند. به عبارت دیگر، الگوی صادرات بخش صنعت کشور مطابق با مدل و الگوی تئوریک صادرات نیست. این امر به دلیل آن است که هدف صادرات در تولید بخش صنعت از اولویت

و اهمیت برخوردار نبوده و استراتژی صادرات صنعتی در این بخش مورد نظر نبوده است. در عین حال، نتایج تحلیل‌های رگرسیونی نشان می‌دهد که تأثیر وضع غیر تعرفه‌ها (مجوزها) بر صادرات محصولات صنعتی قابل توجه بوده است. چنان‌که اتخاذ سیاست‌های برقراری پیمان ارزی (متغیر DUP) و اعمال آن بر صادرات منجر به کاهش صادرات محصولات صنعتی گشته است و این ارتباط از طریق ضرایب برآورده شده بسیار معنی‌دار و قابل توجیه است (مدل‌های شماره ۱ و ۳). در حقیقت، علی‌رغم آن‌که روش‌های متداول برقراری تعرفه بر صادرات کالاهای صنعتی و غیرنفتی اعمال نمی‌شود، ولی وجود پیمان‌های ارزی (DUP) به عنوان یک نوع غیر تعرفه عامل محدودکننده‌ای برای این‌گونه صادرات محسوب می‌گردد. در مجموع، اثرات الحاق ایران به گات در بخش صنعت را می‌توان به شرح زیر مورد توجه قرار داد:

۱. دخالت و نقش انحصاری دولت در اقتصاد کشور، به خصوص بخش صنعت، از مسائل بااهمیتی است که در الحاق به پیمان گات باید مورد توجه قرار گیرد.
۲. وابستگی فرایند تولید به خارج در بخش صنعت که در برخی زیربخش‌ها به گونه‌ای حاد و در دیگر زیربخش‌ها به نحو خفیف‌تری وجود دارد و از محدودیت‌های مهم و قابل توجه در تصمیم‌گیری نسبت به پیوستن به گات است.
۳. حمایت‌هایی که در دهه‌های اخیر از بخش صنعت به عمل آمده است در راستای تقویت حضور محصولات صنعتی در بازارهای جهانی صورت نگرفته و با توجه به محدودیت منابع ارزی مشکلات بسیاری را برای این بخش از اقتصاد فراهم آورده است که در صورت پیوستن به گات باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد.
۴. از مجموع، ۹ فعالیت صنعتی طبقه‌بندی شده در بخش صنعت، ۴ رشته فعالیت شامل صنایع نساجی، کانی غیرفلزی، غذایی و محصولات چوبی از نظر وابستگی ارزی، کاربر بودن فرایند تولید و قابلیت صادراتی نسبت به دیگر فعالیت‌ها دارای شرایط بهتری هستند. اما مطالعات انجام شده نشان می‌دهد وضعیت این زیربخش‌ها در مقایسه با رشته‌های فعالیت مشابه در جایگاه بین‌المللی دارای شرایط کاملاً مطلوبی نیست.

۵. بررسی‌های کمی (تحلیل‌های رگرسیونی) در مورد عوامل مؤثر بر صادرات محصولات صنعتی نشان می‌دهد که غالباً عوامل مزبور مطابق با مبانی نظری، در رابطه معنی‌داری با میزان صادرات بخش صنعت نیست. همچنین، براساس

نگاهی اجمالی به شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی و تحلیلی از جنبه‌های حقوقی و... ۳۹

یافته‌های مدل‌های برازش شده این نتیجه حاصل شد که در عوض تعرفه که معمولاً بر صادرات وضع نگردیده است، ولی وجود پیمان‌های ارزی به عنوان یک نوع غیرتعرفه و عامل محدودکننده‌ای برای صادرات محصولات صنعتی محسوب می‌گردد.

تأثیر عضویت ایران در گات بر درآمدهای مالیاتی

در این قسمت به منظور ارزیابی اثرات کاهش نرخ‌های تعرفه بر درآمدهای مالیاتی (در صورت عضویت در گات) به تخمین مدل‌هایی در این ارتباط اقدام گردیده است. از آنجا که یکی از بحث‌های مهم درآمد مالیاتی در کشور در سال‌های گذشته درآمدهای مالیاتی غیرمستقیم بوده است و قسمت اعظم آن از طریق مالیات بر واردات اخذ می‌گردد، تأثیر کاهش نرخ‌های تعرفه بر این بخش از درآمدهای مالیاتی مورد آزمون قرار گرفته است و نتایج رگرسیونی آن به شرح زیر از نظر می‌گذرد:

$$1) T_1 = -188/5 + 17/8R + 0/9M$$

$$(-7/9) \quad (21/8) \quad (13/8)$$

$$R^2 = 0/97 \quad D.W = 2/08 \quad F = 217/7 \quad n = 1350-72$$

$$2) LT_1 = -2/81 + 0/41LM + 0/86LR$$

$$(-4/01) \quad (14/6) \quad (11/5)$$

$$R^2 = 0/92 \quad D.W = 0/78 \quad F = 115/4 \quad n = 1350-72$$

$$3) T_r = -201/9 + 0/13M + 18/7R$$

$$(-8/3) \quad (14/6) \quad (22/5)$$

$$R^2 = 0/85 \quad D.W = 1/9 \quad F = 36/1 \quad n = 1350-72$$

$$LT_r = -3/26 + 0/84LM + 1/03LR$$

$$(-3/4) \quad (6/6) \quad (11/3)$$

$$R^2 = 0/90 \quad D.W = 1/88 \quad F = 57/7 \quad n = 1350-72$$

که در این معادلات :

$$T_1 = \text{مالیات بر واردات} \quad T_2 = \text{مالیات غیرمستقیم}$$

$$R = \text{نرخ موثر تعرفه} = \frac{\text{مالیات بر واردات}}{\text{ارزش کل واردات}}$$

$$M = \text{ارزش واردات}$$

چنان‌که ملاحظه می‌شود کاهش‌پذیری درآمدهای مالیاتی از منبع واردات نسبت به تغییرات نرخ تعرفه معادل $0/86$ است. به عبارت دیگر، هر 1 درصد افزایش یا کاهش در نرخ‌های تعرفه منجر به $0/86$ درصد افزایش یا کاهش در درآمدهای مالیاتی خواهد شد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که درآمدهای مالیاتی غیرمستقیم نیز کاملاً متأثر از نرخ‌های تعرفه هستند. کاهش درآمد مالیاتی غیرمستقیم نسبت به نرخ تعرفه $1/03$ است. به عبارت دیگر، هر 1 درصد کاهش در نرخ‌های تعرفه، منجر به $1/03$ درصد کاهش در درآمدهای مالیاتی غیرمستقیم می‌گردد. در مجموع، اثرات نرخ تعرفه بر مالیات بر واردات و کل مالیات‌های غیرمستقیم مثبت و معنی‌دار و نسبتاً با کاهش است. لذا انتظار می‌رود با عضویت در گات و با کاهش نرخ‌های تعرفه به میزان 24 درصد، درآمدهای مالیاتی غیرمستقیم نیز به میزان 24 درصد کاهش یابد که با توجه به این که مالیات بعد از نفت مهم‌ترین منبع درآمدی دولت محسوب می‌گردد، قابل توجه است. به عبارت دیگر، در صورت عضویت ایران در گات و قبول کاهش در نرخ تعرفه بر واردات، درآمد مالیاتی دچار کاهش خواهد شد و از این لحاظ باید مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد.

اما از آنجا که تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌ها، میزان واردات و در نتیجه درآمدهای مالیاتی حاصل از واردات را افزایش می‌دهد، لذا خالص تأثیر تغییر نرخ‌های تعرفه بر درآمدهای مالیاتی روشن نیست. چراکه ممکن است افزایش درآمدهای مالیاتی ناشی از تبدیل غیرتعرفه‌ها به تعرفه، بیش از کاهش درآمد مالیاتی پیش‌بینی شده به لحاظ کاهش نرخ‌های تعرفه باشد. بنابراین، برآورد قطعی در خصوص اثرات الحاق ایران به گات بر درآمدهای مالیاتی بستگی به چگونگی رفع موانع غیرتعرفه‌ای خواهد داشت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با عنایت به گسترش حجم تجارت جهانی و اهمیت اقتصاد بین‌الملل، بعید به نظر می‌رسد که کشوری بدون انجام تجارت بتواند فعالیت‌های اقتصادی و تجاری خود را به‌طور بهینه انجام

دهد. با توجه به این‌که در حال حاضر نزدیک به ۹۰ - ۸۵ درصد تجارت جهانی توسط کشورهای عضوگات صورت می‌گیرد و با عنایت به این‌که اقتصاد ایران از یک سو واردکننده حجم عظیمی از کالاها و خدمات از کشورهای عضوگات است، و از سوی دیگر صادرکننده نفت و صادرکننده محصولات غیرنفتی به این کشورها نیز است و با استناد به استراتژی ترسیم شده در برنامه اول و دوم توسعه که در راستای گسترش صادرات غیرنفتی است، به نظر می‌رسد صادرکنندگان و تولیدکنندگان کالا و خدمات ایرانی بایستی در جستجوی بازارهای جدید و گسترش بازارهای کنونی باشند. واضح است که تحقق چنین هدفی رعایت و احترام به توافق‌ها و تعهدات بین‌المللی را از سوی ایران اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

بنابراین، با عنایت به بررسی‌های به عمل آمده، الحاق ایران به گات در بلندمدت امری اجتناب‌ناپذیر است، اما برای این‌که ایران بتواند از جایگاه قوی و نیرومند چانه‌زنی در مذاکرات بهره‌مند باشد، اتخاذ و انجام یک سلسله تدابیر و اقدامات بسترسازی اقتصادی و تجاری قبل از الحاق ضروری به نظر می‌رسد که اهم آن‌ها را می‌توان به شرح زیر مطرح نمود:

۱. بستر سازی قانونی از طریق بازنگری در برخی قوانین مورد نظر قانون اساسی، سرمایه‌گذاری خارجی، بیمه، بانکداری، گمرک، مالیات و... و تطبیق آن‌ها با قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی.

۲. بسترسازی اقتصادی از طریق شناخت پتانسیل در مزیت‌های نسبی بالقوه و بالفعل در بخش‌های عمده اقتصادی و افزایش قدرت رقابت محصولات صادراتی کشور.
۳. مشارکت در مذاکرات سازمان تجارت جهانی از طریق مطالعات مستمر و تحقیقات دقیق اقتصادی - حقوقی توسط گروه کاری منسجم و متخصص به گونه‌ای که آگاهی‌های لازم اقتصادی - حقوقی نسبت به مفاد موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی توسط این گروه وجود داشته باشد تا در مواقع ضروری بادیگامی روشن نسبت به مسائل حضور در مذاکرات جهانی به صورتی مؤثر اقدام شود.

توضیح این‌که براساس نتایج مطالعه حاضر تبعات الحاق کشور به گات در بخش‌های کشاورزی، صنعت، و درآمدهای مالیاتی به شرح زیر برآورد گردیده است :

الف) در بخش کشاورزی براساس مدل‌های برآورد شده در زمینه واردات کالاهای اساسی (از جمله گندم، برنج، ذرت) و صادرات پسته، این نتیجه حاصل شد که نرخ‌های تعرفه تأثیر معنی‌داری بر ارزش واردات یا صادرات کالاهای کشاورزی ندارد و به نظر می‌رسد که

واردات و صادرات این بخش تحت تأثیر مجوزها و موانع غیر تعرفه‌ای قرار داشته است. (ب) در ارتباط با بخش صنعت، بررسی شاخص‌های ارزیابی صنایع ایران از جمله ارزیابی، اشتغال، ارزش افزوده، بهره‌وری، دستمزدها و... نشان داد که به لحاظ موقعیت داخلی صنایع نساجی، کانی غیرفلزی، غذایی و محصولات چوبی از مزیت و جایگاه نسبی مطلوبی در میان سایر صنایع کشور برخوردار است و از دیدگاه مقایسه تطبیقی با صنایع مشابه در جهان، تنها صنایع نساجی و کانی غیرفلزی از موقعیت نسبتاً بهتری برخوردارند که البته امکان قدرت رقابت آن‌ها را در صحنه تجارت جهانی به راحتی مقدور نخواهد ساخت. در عین حال، برآورد مدل‌های تابع صادرات صنعتی نشان می‌دهد که اثرات غیر تعرفه‌ها در قالب پیمان‌های ارزی اثرات محدودکننده‌ای بر صادرات صنعتی داشته است.

(ج) در بُعد درآمدهای مالیاتی، از آنجا که کاهش نرخ‌های تعرفه منجر به کاهش درآمدهای مالیاتی از منبع واردات و کل درآمدهای مالیاتی غیرمستقیم می‌گردد، کاهش پیش‌بینی شده نرخ‌های تعرفه به میزان ۲۴ درصد در خصوص کشور در حال توسعه، منجر به کاهش حدوداً همین میزان در درآمدهای مالیاتی خواهد شد، اما به دلیل تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای به تعرفه‌ای و افزایش مبنای مالیات، امکان برآورد دقیق اثرات کاهش تعرفه‌ها بر درآمد مالیاتی میسر نخواهد بود و بستگی به روند و چگونگی تبدیل غیر تعرفه‌ها به تعرفه‌ها خواهد داشت.

منابع

- وزارت بازرگانی، دفتر بازرگانی خارج از کشور، «گزارش اقتصادی گات»، اسفند ۱۳۶۹.
- موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، «گات و مسائل اقتصاد بین‌الملل».
- وزارت بازرگانی، دفتر نمایندگی بازرگانی جمهوری اسلامی ایران (آنکارا)، مقاله شماره ۱۲۹، ۱۹۹۳.
- هفته‌نامه اتاق بازرگانی، «گات (موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت)»، شماره ۴، ۱۳۷۳.
- هفته‌نامه اتاق بازرگانی، آزادسازی مبادلات بازرگانی بین‌المللی (گات - آنکاد) دکتر امیر هوشنگ امینی، شماره ۴، ۱۳۷۳.
- اقتصاد کشاورزی و توسعه، گات، رایزنی و شناخت، سال دوم، اردیبهشت ۱۳۷۳.
- وزارت بازرگانی، حوزه معاونت بازرگانی خارجی، «خلاصه سند نهایی مذاکرات دور اورگوته»، دسامبر ۱۹۹۳ (فروردین ۱۳۷۳).
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره مطالعات و سازمان‌های بین‌المللی، «دور اورگوته گات و تحولات آن»، بهمن ۱۳۷۲.
- وزارت بازرگانی، حوزه معاونت بازرگانی خارجی، «دور اورگوته: بررسی اولیه (بخشی از گزارش تجارت و توسعه آنکاد ۱۹۹۴)»، مهر ۱۳۷۳.

نگاهی اجمالی به شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی و تحلیلی از جنبه‌های حقوقی و... ۴۳

وزارت بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، «گات ۱۹۹۴، موافقت‌نامه راجع به بخش‌های مختلف مندرج در بند نهایی دور اوروگوئه»، آبان ۱۳۷۳.

وزارت بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، «سند نهایی دور اوروگوئه»، آذر ۱۳۷۳.

وزارت کشاورزی، مرکز مطالعه برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، «کشاورزی و گات»، آبان ۱۳۷۳.

وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، طرح تخصیص بهینه منابع برای خودکفایی در محصولات کشاورزی، بهار ۱۳۷۱.

وزارت بازرگانی، «گات و تجارت خارجی ایران»، دی ۱۳۷۳.

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاونت درمان و دارو، اردیبهشت ۱۳۷۴.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، «خلاصه تحولات اقتصادی کشور ۱۳۷۲ - ۱۳۶۵».

مرکز آمار ایران، آمار کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور، سال‌های ۱۳۷۲ - ۱۳۶۲.

بایزید مردوخ، «نقش سرمایه انسانی در توسعه صنعتی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۳۰، شهریور ۱۳۶۸.

سازمان برنامه و بودجه، عملکرد برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی، جلد یازدهم: مستندات برنامه دوم - بخش صنعت و معدن و بازرگانی، ۱۳۷۲.

حسن خوشپور، «ارزیابی عوامل مؤثر بر بخش صنعت کشور» (رساله کارشناسی ارشد)، به راهنمایی جناب آقای دکتر حسین عظیمی و دکتر شاه رکنی، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۰.

Kenneth W. Dam, *The GATT, Law and International Economic Organization*, The University of Chicago, 1970.

Sidny Golt, "The GATT Negotiations, 1986 - 1990, Origins, Issue and Prospect British North American Committee", November 1988.

John W. Evans, "The Kennedy Round in Ammerican Trade Policy, The Twilight of the GATT 1971".

Diana Tussie, *The Less Developed Countries and the World Trading System, Challenge to the GATT*, London, 1987.

The Overview of the Uruguay Round of Multilateral Trade Negotiations, Issued by the Information and Media Relation Devision of the GATT Center, Geneva, 1994. KII 93/RK. AA. DOC.

International Monetary Fund (IMF), "Conclusion of the Uruguay Round - An Agreed Final Act", March 1, 1994.

GATT Center, Geneva, The Final Act of the Uruguay Round, 5 April, 1994.

John M. Dobson, "Two Centuries of Tariffs, Background and Emergence of the U.S.A", International Trade Commision, December 1976.

Herbert G. Grubel, *Free Trade and Market Zones*.

Peter G. Warrand & Brian R.Parmenter, "Protection Through Government Procurement".

Douglas A. Irwin, "The New Protectionsmin Industrial Countries, IMF paper, Feb. 1994.

Cletus C. Coughin and Geoffry E. Wood, "An Introduction to Non Tarrif Bariers to

- Trade", FRB of St. Louis, Vol. 71, No. 1, Jan. - Feb. 1989.
- Trade Policy Review Mechanism, Mexico, Report by Government, GATT, 22, March 1993.
- Accession of Mexico, Memorandum on Foreign Trade Regime, GATT, 11, February 1986.
- Replies to questionnaire on import Licensing Procedures, Mexico, GATT. 13 October, 1987.
- S.Mc Corrison, "Rebalancing Ec Cereals Protection and the GATT, Uruguay Round", *Journal of Agricultural Economics*, Vol. 11, No. 1, January 1993.
- GATT Secretariat, "An Analysis of the Proposed Uruguay Round Agreement with Particular Emphasis on Aspects of Interest to Developing Economies", Nov., 1993.
- GATT, "Information and Media Relations Division of General Agreement on Tariffs and Trade, The Uruguay Round Deal", 1991.
- IMF, "World Economic Outlook, Prospects and Policy Issues", March 1991.
- Nurul Islam, "Progress of the GATT Negotiations on Agriculture and Developing Countries, Options and Strategies", *Quarterly, Journal of International Agriculture*, Vol. 29, Oct.-Dec. 1990.
- International Bank for Reconstruction and Development, The Uruguay Round, A Preliminary Assessment, February 1991.
- Richard Harmsen, The Uruguay Round, A Boom for the World Economy, *Finance and Development*, March 1995.
- "The Final ACT of the Uruguay Round", Press Summary, April 1991.
- Industry Development Global Report, 1988.
- UNIDO, 1985-86.
- World Bank, "Operations Evaluation Department, Trade Policy Reform Under Adjustment Program", 1992.